

کارگران معدن به شکل سراسری نیاز دارند

اصغر کریمی، صفحه ۲



بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد هلاکت حسن نصرالله صفحه ۶

تجمع بازنشستگان فولاد و معدن در تهران و بازنشستگان نامین اجتماعی در شهرهای مختلف

یک روز پر شور اعتراض و همبستگی با کارگران معدن طیس، صفحه ۸

هلاکت حسن نصرالله و موقعیت رقت بار جمهوری اسلامی - حمید تقوایی صفحه ۶

کشتار کارگران در اعماق معدن و جامعه ای عمیقا معترض

یاشار سهندی، صفحه ۳

جنگ تروریست ها و نتایج آن برای ما کارگران

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۱۲

تجمعات بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف و دفاع از شریفه محمدی و معدنچیان طیس

در سطح بین المللی صفحه ۴

جمهوری اسلامی آشفته است، وقت دمیدن بر آتش انقلاب است!

مهران محبی، صفحه ۷

تجمعات کارگران رسمی عملیاتی نفتی جنوب در مراکز مختلف نفت و گاز صفحه ۹

پاسخی به اراجیف پزشکیان و وزیر کارش در مورد معدن طیس صفحه ۵

همبستگی با کارگران معدنجوی طیس، تجمع پرستاران در یزد و اخباری دیگر صفحه ۱۷

اعتراض خانواده های جانبختگان معدن صفحه ۱۸

تجمع بازنشستگان کشوری و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران صفحه ۱۸

همبستگی اجتماعی با معدنچیان طیس و خانواده هایشان ادامه دارد صفحه ۱۰

۲ مهر: ادامه اعتراضات گسترده کارگران نفت صفحه ۱۷

تجمع کارگران رسمی نفت در شهرکهای مسکونی جم همراه با خانواده صفحه ۱۱

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۵۱

۸ مهر ۱۴۰۳

۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

فاجعه حکومتی در معدن

طیس و فراخوان

#ایرانم_اعتصاب

حمید تقوایی، صفحه ۹

در همبستگی با معدنچیان

طیس: #ایرانم_اعتصاب

شهلا دانشفر، صفحه ۵

کارگران در هفته ای که

گذشت صفحه ۱۷

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۳

اعتصاب عمومی در اعتراض

به کشتار معدنچیان طیس

صفحه ۹

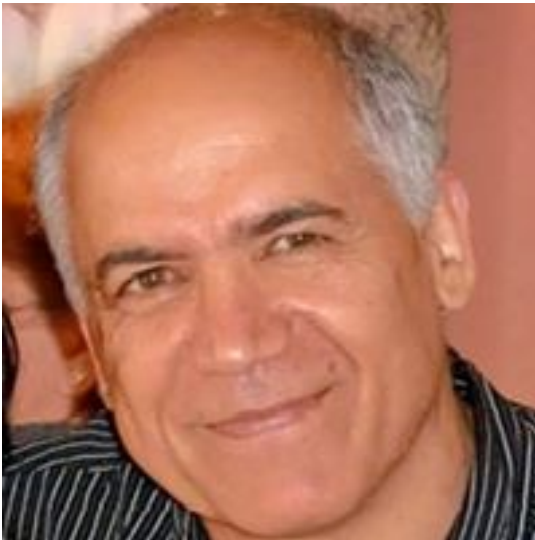
تجمعات سراسری

بازنشستگان مخابرات

صفحه ۶

مدیای اجتماعی

صفحه ۱۴



کارگران معدن به شکل سراسری نیاز دارند

اصغر کریمی

هر ماه دو فاجعه در معادن ناامن کشور اتفاق می‌افتد. فجایعی که توسط حکومتیان و کارفرماها طبیعی جلوه داده میشود. اما خود کارگران بهتر از هر کس دیگری دلیل این فجایع را می‌دانند و مدام هشدار می‌دهند. کارگرانی که با حقوق چندرغاز، عدم تجهیزات حداقل بهداشتی و ایمنی، کار طاقت‌فرسا، ناامنی شغلی، خطر اخراج بدلیل اعتراض و سایر بی‌حقوقی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. فاجعه معدن طیس مانند فجایع مشابه در معادن دیگر گوشه‌ای از بی‌رحمی و ظلم غیر قابل توصیفی که توسط کارفرماها و مقاطعه‌کاران با همکاری ارگان‌ها و مقامات محلی و کشوری رژیم بر کارگران معدن می‌رود را عیان می‌کند.

از فاجعه معدن طرزه در سال قبل که ۶ قربانی از کارگران گرفت و فاجعه هولناک معدن یورت در استان گلستان در روز سوم اردیبهشت ۹۶ که به جانباختن ۴۳ کارگر و مجروح شدن ۷۵ نفر از کارگران منجر شد تا قربانی شدن ۸ کارگر در معدن یال شمالی در طیس در سال ۹۱، ۵ قربانی در معدن هجدک کرمان در سال ۸۹ و ۱۲ قربانی در معدن باب نیز در زرنند کرمان در فروردین ۸۸ و دهها فاجعه کوچک و بزرگ دیگر در معادن هیچکدام طبیعی نبوده است. همانطور که تهدید به اخراج کارگران بدلیل کوچکترین اعتراضی و یا دستمزد ناچیز این کارگران، اجحافات هر روزه کارفرمایان و اینکه اکثرا مشمول مشاغل سخت هم نمی‌شوند یا حتی دستمزدهای ناچیزشان با تاخیر پرداخت

می‌شود، طبیعی نیست، همینطور که باتوم خوردن کارگران یورت در تجمع‌شان در مقابل فرمانداری طبیعی نیست. همه این فجایع زمینه دارند، زمینه‌هایی که توسط حکومت و کارفرمایان و مقاطعه‌کاران مورد حمایت حکومت، از قبل سازمان داده شده‌اند. به اینها مرگ نباید گفت اینها همه قتل محسوب می‌شوند، قتل‌هایی که همه قابل پیشگیری بودند و اتفاقات احتمالی

...وقتی ارگان‌های دولتی حقی به کارگر معترض نمی‌دهند و آزادی بیان و اعتراض و تشکل را هم از او گرفته‌اند، وقتی بی‌دادگاه حکومت حکم شلاق کارگران معدن آق‌دره را صادر می‌کند و وقتی طبق آمار خود حکومت در سال ۱۴۰۰ از ۶۰۰۰ معدن با بیش از ۱۳۰ هزار کارگر فقط ۲۳ درصد آنها یعنی حدود ۱۴۰۰ معدن واحد بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE) داشته‌اند، یعنی کل حکومت و ارگان‌های قتل کارگران معدن را زمینه‌سازی کرده‌اند و عامل مستقیم قتل کارگران هستند.

اما برگردیم به آمار کارگران معدن. بیش از ۱۳۰ هزار کارگر در معادن در نقاط مختلف کشور مشغول کار هستند که با خانواده‌هایشان یک جمعیت نیم میلیونی را تشکیل می‌دهند. یک قدرت بالقوه عظیم. تشکل سراسری این نیروی بالقوه را بالفعل می‌کند. کارگران معدن در سال‌های گذشته اعتراضات زیادی داشته‌اند اما پراکنده. به همین دلیل صدایشان ضعیف بوده است. تشکلی ندارند که ناامنی محیط کار آنها، دستمزدهای بخور و نمیر، اجحافات کارفرماها، تهدید آنها به اخراج در صورت اعتراض و مشکلات بیمه و غیره مدام

خبررسانی شود و صدای اعتراض آنها را بلند کند. ایجاد تشکل سراسری صدای اعتراض کارگران معدن را دائمی می‌کند. جامعه را متوجه مشکلاتشان می‌کند. متوجه ناامنی محل کارشان، حقوق‌های ناچیزشان و سایر اجحافات و بی‌حقوقی‌ها می‌کند. به کارگران معدن امکان می‌دهد که مانند پرستاران یا بازنشستگان و معلمان صدای رساتری داشته باشند و دست به اعتراضات و

اعتصابات سراسری بزنند. آیا ایجاد چنین تشکلی عملی است؟

هر چند جمهوری اسلامی ایجاد تشکل کارگری با موانع زیادی روبرو است اما فاکتورهای مهمی به نفع کارگران وجود دارد که زمینه را برای ایجاد تشکل کارگران معدن فراهم‌تر کرده است. انقلاب زن زندگی آزادی شرایط را به نفع کل مردم معترض و آزاده علیه حکومت تغییر داده و بویژه اکنون شاهد زبونی و درماندگی همه‌جانبه حکومت هستیم که زمینه را باز هم بیشتر برای جلو آمدن مردم، اتحاد و همبستگی و متشکل شدن فراهم کرده است. همبستگی نسبتاً گسترده‌ای که با کارگران معدن طیس شکل گرفته نشانه این توازن قوا و فضای جدید مبارزاتی در جامعه است. فاکتور دیگر تجارب غنی و مهم بخش‌های مختلف کارگران از جمله کارگران نفت، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان و فعالین حقوق زن و ... در زمینه تشکل و شکل دادن به شبکه‌های اجتماعی متعددی است که می‌تواند مورد استفاده کارگران معدن قرار گیرد. کارگران معدن در سطح هر شهر و بعضاً در سطح منطقه روابط زیادی با هم دارند و این نیز محمل مناسبی برای شکل دادن به شبکه‌های منطقه‌ای و سراسری کارگران معدن است.

بعدی که طبق آمار ماهی دو بار به وقوع می‌پیوندد نیز قابل پیشگیری‌اند. و وقتی پیشگیری نمی‌کنند، وقتی به هشدار کارگر که دارد اتفاقی می‌افتد توجه نمی‌کنند و تهدید به اخراج را کف دستش می‌گذارند، وقتی ارگان‌های دولتی حقی به کارگر معترض نمی‌دهند و آزادی بیان و اعتراض و تشکل را هم از او گرفته‌اند، وقتی بی‌دادگاه حکومت حکم شلاق کارگران معدن آق‌دره را صادر می‌کند و وقتی طبق آمار خود حکومت در سال ۱۴۰۰ از ۶۰۰۰ معدن با بیش از ۱۳۰ هزار کارگر فقط ۲۳ درصد آنها یعنی حدود ۱۴۰۰ معدن واحد بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست (HSE) داشته‌اند، یعنی کل حکومت و ارگان‌های قتل کارگران معدن را زمینه‌سازی کرده‌اند و عامل مستقیم قتل کارگران هستند.

ایرنا گزارش داده بود که «در دهه ۹۰ بیش از سه هزار حادثه در معادن کشور رخ داده و باعث آسیب‌دیدگی حدود ۱۳ هزار کارگر و مرگ بیش از ۴۳۰ معدنچی شده است.» (طبق همین آمار میزان قتل کارگران در معادن نسبت به دهه قبل از آن رشد ۳۰۰ درصدی داشته است و بسیاری از حوادث نیز نه اطلاع‌رسانی می‌شوند و نه ثبت. فجایعی مانند کشتار بیش از ۵۰ نفر از کارگران معدن طیس باعث شد اوج بی‌حقوقی و سودجویی کارفرماها



کشتار کارگران در اعماق معدن و جامعه ای عمیقاً معترض - یاشار سهندی

بار دیگر حرص و آزی که در سرمایه داری پروایی و پایانی ندارد، پنجه و دو کارگر معدن را در طیس به کام مرگ فرستاد. این قتل و عام، آشکارا تعددا صورت گرفت، وقتی که کارگران هشدار دادند که معدن مملو از گاز است و کارفرمایان تهدید کردند: "یا در اینجا با همین شرایط کار کنید یا فرم تسویه حساب را پر کنید." و وقتی از در اختیار گذاشتن هر گونه وسایل تجهیزاتی که یک کارگر معدن باید همراه خود داشته باشد خودداری میکنند. حتی دریغ از کفش کار ایمن. چکمه معمولی پاره کارگر کشته شده، در واگنی که تا ساعاتی پیش محصول رنج او را به بیرون از معدن انتقال میداد، به خوبی گویایی شرایط خشونت بار تمام عیاری است که بر علیه کارگران بکار گرفته میشود. خشونتی که سرمایه در ایران با اتکاء به آن، سخت ترین شرایط کار را بر کارگر در همه بخشهای صنعت ایران تحمیل کرده است. حتی آنموقعی که کارگران را علیرغم هشدارهایشان با تهدید به اخراج به اعماق معدن فرستاده و به کام مرگ رها کردند. تحکم خشن کارفرمایان در برخورد با کارگران نه از جسارت شخصی ایشان، بلکه حکایت از حمایت همه جانبه حکومت اسلامی سرمایه از ایشان است که چنین با توپ پُر با کارگر برخورد میکنند.

خشونتی که زاده نظام طبقاتی سرمایه داری است که در ایران وحشی ترین شکلش را شاهدیم و جنایت هم رنگ قانون به خود دارد. و در عمل از حمایت نظامی و امنیتی حکومت برخوردار است. برای اینکه اکثریت جامعه را به نقطه ای برساند که تن به حداکثر استثمار دهد. نظمی فاجعه بار، یا بقول مارکس نفرین اجتماعی که هر گاه حوادثی مانند کشتار در معدن طیس رخ میدهد کل جامعه را متوجه این خشونت می سازد. کارگر در نظام سرمایه داری ارزاترین ابزار ممکن است، که "هزینه فایده" آن برای سرمایه بسیار است. و چون اساساً هزینه زیادی بابت آن متقبل نمی شود، چیزی در حد صفر.

در کشتار اخیر کارگران در طیس، همه چیز را به نبود سنسور هشدار دهنده انتشار گاز تقلیل دادند. در واقع در سرمایه داری حاکم بر ایران این سنسور حساسیت به انسانیت در مغز سرمایه داران و حکومت اسلامی آنان است که خود آنرا عمداً از کار انداخته اند، که حتی آمبولانس برای انتقال اجساد به اندازه کافی تدارک نمی بینند و بر جنازه کارگران سوخته و کشته شده بی حرمتی روا میدارند و به مانند کالای ضایع شده آنها را جابجا میکنند.

وزیر کار که مجبور شده بخاطر این حادثه خود را به محل جنایت برساند نیز گستاخانه مدعی میشود که حادثه بود و قابل پیش بینی نبود! حادثه هم که خبر نمی کند! جناب وزیری که به تازگی بر این مسند تکیه زده است در برنامه پیشنهادی اش در مورد کاهش "حوادث کار" هدف را اینگونه تعریف کرده است "حوادث و آسیبهای شغلی نیروی کار در بنگاههای اقتصادی از ۸۰ نفر در ۱۰۰ هزار نفر به ۶۰ نفر در ۱۰۰ هزار نفر" کاهش یابد. یعنی برای این وزیر حوادث و آسیبهای شغلی نیروی کار، یک پیش فرض است. که قابل پیش بینی است اما قابل این نیست که پیشگیری شود. "چیزی که زیاده، کارگره!"

فرامرز توفیقی یکی از کسانی که همت خود را بر این گذاشته است که برای جنایت سرمایه داران به شکلی و به قولی "علاجی" بیابند، توصیه کردند که این جور وقتها بهتر است وزیر سکوت کند و شتابزده چیزی نگوید! چون: "باعث شده حتی صدای خانواده کارگران قربانی معدن طیس نیز بلند شود... حرفهایی که مسئولان از سر عجله و شتابزدگی بیان می کنند عموماً می تواند تبعاتی داشته باشد که اصلاً خوب نیست." این تبعات چیست که اصلاً خوب نیست؟ این تبعات واکنش اعتراضی

بازماندگان کارگران به قتل رسیده و کل جامعه است. تبعات آن آگاهی یافتن جامعه از استعمار وحشیانه و بی حد و حصر کارگران است. این جناب حرف خود را اینگونه تکمیل کردند: "اگر وزیر کار قبل از اظهارنظر درباره حادثه با افراد متخصص مشورت می کرد، شاید هیچ گاه این چنین عجولانه اظهارنظر نمی کرد." افراد متخصص ادعایی کسی نیست جز همین علاج یابان برای هر جنایتی که از سوی کارفرمایان و حکومت.

سایت اینترنتی "پایگاه خبری تحلیلی اخبار معدن"، که انعکاس دهنده اخبار معادن از بابت چند و چون سودآوری آنهاست و راه و چاه سودآوری بیشتر را تحلیل میکند، در همین مورد نوشته است: "اظهارنظر شتابزده وزیر کار که بسیاری از کارگران به حضورش در این سمت دل خوش کرده بودند(اینجا اشاره به کسانی مانند فرامرز توفیقی است که عضو تشکیلاتهای سیاه هستند تا مانع تبعات احتمالی بشوند) انتظار داشتند برخلاف وزرای قبلی جانب کارگران را نگه دارد و از حقوق آنها دفاع کند، (!!!) بیش از هر زمان دیگر باعث اعتراض کارگران معدن و البته خانواده قربانیان حادثه معدن طیس شد." موضوع برای ایشان مرگ ۵۲ نفر انسان و تبعات آن برخلاف خانواده این کارگران نیست، تبعات آن بر روح و روان کل جامعه نیست؛ مشکل فقط در نزد ایشان اعتراض به حقی است که از سوی کارگران و در همچنین مواردی کل جامعه از خود بروز میدهد، می باشد. که از وزیر میخواهند قبل از بیان هر حرفی در مورد تبعات آن پندیشد.

سوال اینجاست آیا جناب وزیر که میگویند فرد محقق است و آشنا به مسایل کارگر و وزارت کار و تامین اجتماعی است آیا واقعا نمیداند چه بر زبان می آورد؟ جناب وزیر هم دقیقاً همان نگرانی را دارد که ماله کشان نظام سرمایه داری دارند، اعتراض علیه شرایط حاکم بر محیط کار کارگران و زندگی کارگران. که در جریان همین حادثه بر همگان معلوم شد برای کار سختی همچون کار در معدن، کارگر نهایتاً ۱۲ میلیون تومان حقوق میگیرد و اگر تن به اضافه کاری بیشتر بدهد شاید به ۱۷ میلیون برسد، که این خود چند برابر زیر خط فقر کنونی است. و کارگر با کمترین تجهیزات به سخت ترین کار مشغول است. وزیر درس خوانده و محقق و صاحب تالیفات بسیار، دقیقاً برای آرام کردن اوضاع از خبر نکردن حادثه میگوید. منتها مشکل برای نوکران سرمایه این است که دیگر جامعه نمی خواهد تن به اوضاع حاکم بدهد و معترض است و به شدت هم معترض است. برای همین هر اظهار نظری که از سوی مزدوران سرمایه بیان میشود این چنین همگان به اعتراض برمیخیزند.

در ایران کسانی که فکر میکنند خیلی دشمن استثمار سرمایه داری هستند همه چیز را به "تولیرالیسم هار و وحشی" ربط میدهند. استعمار وحشیانه حاکم بر ایران، و خشونت عمق یافته بر کل جامعه تنها و تنها نتیجه کارکرد سرمایه داری است، نه تنها مکتب خاصی از این نظام که در پی یافتن علاجهای برای تضمین استثمار است. اگر جایی سرمایه داری رام گردیده است، تنها بخاطر اعتراض و مبارزه کارگران بوده است



شغلی از جمله سطح پایین حقوقها، عدم پرداخت به موقع دستمزد و مزایا و تبعیض در پرداختها با مسدود کردن راه های منتهی به کارخانه برای دومین روز تجمع داشتند.

آخرین خبر اینکه حمایت ها از کارگران معدن طبس ادامه دارد. روز گذشته یک محور مهم اعتراضات بازنشستگان

اعلام همبستگی با این کارگران بود. در سطح جهانی نیز این حمایت ها جریان دارد و بنا به گزارشات منتشر شده در پاسخ به نامه کنفدراسیون کار ایران لوک تریانگل دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری با ابراز تأسف عمیق از فاجعه انفجار در معدن زغال سنگ معدنجوی طبس و همدردی با خانواده های قربانیان اعلام کرد که این کنفدراسیون در حال هماهنگی با دیگر سازمان های جهانی کارگری برای رسیدگی به نقض گسترده حقوق کارگران و اتحادیه های کارگری در ایران است. همچنین کارزار حمایت از شریفه محمدی کارگران که با حکم اعدام در لاکان رشت بسر میرد. تا کنون بازتاب جهانی بسیاری داشته است. از جمله در اعتراض به این حکم آنتونیو تاجانی وزیر امور خارجه و همکاری های بین المللی ایتالیا در پاسخ به سه تشکل کارگری ایتالیا (CGIL, CISL, UIL) که خواستار دخالت فوری دولت ایتالیا برای لغو حکم اعدام شریفه محمدی، فعال مستقل کارگری شده بودند، اعلام کرد که دولت ایتالیا در خصوص پرونده خانم شریفه محمدی از مقامات ایرانی خواسته است که حکم اعدام او را مورد بازنگری قرار داده و تضمین کامل حقوق بشر و توقف مجازات اعدام را مورد توجه قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مهر ۱۴۰۳، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴

تجمعات بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف و دفاع از شریفه محمدی و معدنچیان طبس در سطح بین

المللی

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد

بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، اهواز، تهران، اردبیل، رشت، تبریز، میوان، خرم آباد، ارومیه، ایلام و یزد برگزار شدند.

در این تجمعات بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خود علیه فقر و بی تأمینی و علیه چپاولگریهای سهامداران عمده مخابرات صدای اعتراضشان را بلند کردند. از جمله شعارهای بازنشستگان عبارتند از: "بازنشسته به پا خیز، علیه ظلم و تبعیض!"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه!"، "ستاد اجرایی حق ماها را خورده!"، "بنیاد تعاون سپاه حق ماها را خورده!"

اعتراض بازنشستگان در سطح سراسری به فقر و تبعیض و نابرابری و بساط چپاولگریهای حاکم و سرکوبگریهای حکومت است. بازنشستگان مخابرات بعلاوه به عدم اجرای آیین نامه سال ۸۹ که اندک بهبودی در وضعیت حقوقی شان ایجاد میکند و نیز عدم افزایش سهم بیمه تکمیلی شان از بیست درصد به پنجاه درصد اعتراض دارند.

دو نهاد دزد "بنیاد تعاون" و "ستاد اجرایی فرمان امام" که گردانندگان سران رده بالای حکومت تا بیت خامنه ای هستند، سهامداران اصلی و غارتگران مخابرات و ستاد اجرایی امام هستند.

روز گذشته کارگران فولاد مادکوش بندر عباس نیز در اعتراض به مشکلات معیشتی و

یعنی شک نباید کرد باید خانواده ها پیشاپیش تعهد بدهند که اعتراض نکنند و پیگیر ماجرا نشوند. و اینگونه اگر همین دویست میلیون تومان را هم بدهند، دست ایشان باز است که هزار دوز و کلک سوار کنند که بقیه پول را ملاخور کنند.

دست این حکومت رو شده است. هیچ علاجی برای این حکومت کار ساز نیست، اما جامعه علاج کار خود را یافته است. جامعه آماده خیز برداشتن برای سرنگونی قطعی آن است. اعتراضات بر متن انقلاب زن زندگی آزادی ادامه دارد. کشتار کارگران در اعماق زمین در طبس یکبار دیگر بر اهمیت سرنگونی فوری این حکومت تاکید گذاشت. این را با انکار کشتار کارگران برای بهره کشی بیشتر، با پول وعده ای نمی توان ساکت کرد.

کشتار کارگران در اعماق معدن و ...

از صفحه ۳

نه خیرخواهی و علاج یابان سرمایه داری. قتل و عام کارگران در معدن ذغال سنگ در طبس، خشم و اعتراض جامعه را برانگیخت. کارگران معادن دیگر برای تأمین امنیت در محل کار دست به اعتصاب و اعتراض زدند. اسماعیل بخشی، رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه به درستی فراخوان به "ایرانم اعتصاب" داد. بخشهای مختلف جامعه به پیامهای همدردی اکتفا نکردند، بلکه در این پیامها و بیانیه ها اعتراض خود را به استثمار وحشیانه کارگران ابراز داشتند. در پی این حادثه بار دیگر استثمار کارگران مسئله کل جامعه گردید. و اینها برای حکومت مانند زهر هلاهل می ماند.

جناب وزیر فکر میکند میتواند با نیرنگ و فریب این اعتراضات را ساکت کند. جناب وزیر آشنا به مسایل وزارت کار، در روز ۷ مهر در مصاحبه ای فرمودند: "بیش از یک میلیارد تومان بابت هر کارگر معدن که کشته شده است در نظر گرفتند که به بازماندگان پرداخت کنند!" جناب وزیر آقادر زرننگ است که نمی گوید بیش از یک میلیارد، یعنی چقدر؟ یک میلیارد صد هزار تومان، یا دویست هزار تومان، یا ... رقم دقیق را نمی گویند، چون با پوزش از حیوانات، مثل سگ دروغ میگویند. چون فکر میکنند بیان رقم میلیاردی همه را ساکت میکند. نحوه پرداخت آن، اگر پرداخت کنند بسیار جالب توجه است. وزیر کار در این مورد اظهار داشتند: "رقم دویست میلیون تومان به ازای هر نفر علی الحساب به حساب دادستانی واریز گردیده است!" این گفته ها بار دیگر اوج وقاحت ایشان را نشان میدهد. چرا پول مستقیما به حساب بازماندگان واریز نمی شود؟ چون بسیار واضح است وقتی پول دست دادستانی است



پاسخی به اراجیف پزشکیان و وزیر کارش در مورد معدن طبس



مردم آزاده باید کنار کارگران معدن طبس قرار گیرند و حکومت را بعنوان مسبب این جنایت هولناک محکوم کنند و خواهان محاکمه مسبین این جنایت شوند. باید گفتمان اعتصاب عمومی را هر چه بیشتر گسترش داد. در خارج کشور باید دست به تجمع و اعتراض زد و موجی از همبستگی با کارگران معدن طبس و سایر معادن به راه انداخت. تا جایی که به کارگران معادن در سراسر کشور مربوط می شود باید شبکه ای از اتحاد و همکاری در میان آنها ایجاد شود تا با مبارزه ای سراسری و قدرتمند مردم را به حمایت از خود فراخوانند و حکومت را وادار به بهبود ایمنی محیط کار و رسیدگی به سایر خواسته های خود نمایند.

این فاجعه باید همه ما را به تکان وادارد، متحدتر و متشکل تر کند و برای سرنگونی عاملین این جنایت مصمم تر سازد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴

در مورد فاجعه معدن طبس که به مرگ بیش از ۵۰ کارگر منجر شد، وزیر کار جمهوری اسلامی با وقاحت گفته است «معدن کار تمام ضوابط و استانداردها را رعایت کرده بود. این معدن به طور کامل مکانیزه بوده و حادثه در این معدن جزو مواردی است که قابل پیش بینی نیست». «پزشکیان نیز گفته است» این رخداد از آثار تحریم ها و ممنوعیت ورود تجهیزات به ایران است.

صرف نظر از تناقض آشکار این دو مقام حکومت، هر دو تلاش می کنند اتهامی دامن کارفرما و حکومت را نگیرند. و این در حالی است که کارگران میگویند «هشدار دادیم که معدن پر از گاز است ولی توجه نکردند. ماسکی که به ما میدهند خراب است. از هر ۲۰ نفر فقط به یک نفر ماسک فیلتردار می دهند. اگر شرایط استاندارد بود این اتفاق نمی افتاد». (پدر محمدجواد قاسمی می گوید پسرم به مسئولین معدن هشدار داده بود که بلوک C معدن طبس گاز دارد اما آنها به پسرم و بقیه کارگرها گفتند یا با همین شرایط کار کنید یا فرم تسویه حساب را پر کنید. خانواده یکی از جانباختگان می گوید حتی پول حمل جنازه عزیزمان را هم خودمان باید بدهیم. پیشتر می مقامات حکومت اسلامی حد و مرزی ندارد. اینها فقط برای جنایت تربیت شده اند.

کارگران و مردم به درست انگشت اتهام را متوجه حکومت کرده اند و این فاجعه را در پرونده سیاه جمهوری اسلامی ثبت کرده اند. همبستگی وسیعی با کارگران معدن و خانواده های کارگران جانباخته شروع شده است. این همبستگی ها و محکوم کردن ها ادامه مبارزه برای به گور سپردن حکومتی است که هر روز فاجعه می آفریند و مانع زندگی و خوشبختی مردم است. باید این همبستگی ها را گسترش داد. از کارگران مراکز مختلف در سراسر کشور و بویژه کارگران سایر معادن تا دانشجویان و هنرمندان، از دادخواهان تا کولبران و سوخت بران و از نویسندگان تا ورزشکاران و همه

در همبستگی با معدنچیان طبس: #ایرانم_اعتصاب - شهلا دانشفر



سال گذشته طبق آمارهای دولتی بیش از ۲۱۰۰ کارگر به خاطر عدم ایمنی محیط کار جان باختند که معادن بالاترین رقم را داشت. در سه ماه آغاز امسال ۲۶ کارگر در معادن درگذشتند و انفجار کنونی طبس بیشترین کشته را داشته است. به این جنگ اعلام نشده و جنایت هر روزه باید پایان داد.

زمینه های اعتصاب سراسری مدت هاست فراهم است. بخش های مختلف کارگران در نفت در اعتراضی اند. از لاستیک بارز گرفته تا واگن پارس اراک، از نیشکر هفت تپه گرفته تا گروه ملی فولاد اهواز و ذوب آهن اصفهان و مراکز کاری در شهرهای مختلف و از معلمان گرفته تا پرستاران همه جا فریاد اعتراض بالاست. اسماعیل بخشی درست می گوید وقت آن است که صدایمان را یکی کنیم و سراسری دست به اعتصاب زنیم و پایان این بردگی و توحش را فریاد بزینیم.

(مندرج در ژورنال شماره ۸۴۳)

انفجار معدن طبس در شامگاه ۳۱ شهریور بیش از ۵۰ قربانی گرفت که جوان ترین آنها فقط هفده سال داشت. فاجعه مرگباری که قلب همه را به درد آورد. گزارشات بازهم حاکی از جنایتی دیگر در پس این فاجعه انسانی است. جنایت سرمایه داران مفت خور در همدستی با حکومت حامی خود به خاطر دریغ از کمترین هزینه برای امنیت جان و سلامت کارگر.

برادر یکی از معدنچیان جانباخته می گوید که یک روز قبل از حادثه، کارگران نشست گاز را به اطلاع مدیران رساندند اما گفتند بروید و کار کنید. اما احمد می دری، وزیر کار جمهوری اسلامی با بی شرمی تمام این انفجار را غیر قابل پیش بینی خوانده و بدین گونه این جنایت بزرگ را لاپوشانی می کند.

خشم تمام معدن و شهر و جامعه را گرفته است. اسماعیل بخشی می گوید: «محاکمه عوامل فاجعه معدن طبس باید به یک خواست ملی تبدیل شود! او در صفحه ایکس خود فراخوان به اعتصاب سراسری داده و می نویسد: "در پی حادثه وحشتناک معدن طبس وقت آن است که تمام کارگران و مزدبگیران ایران در اعتراض به شرایط اسفناک ایمنی محیط کار، قرارداد کار و پایین بودن دستمزد نسبت به تورم و سختی کار دست به اعتصاب سراسری بزینیم. همچنین از تمام مردم شریف ایران که از وقوع این حادثه غمگین شده اند و از روی محبت تسلیم می گویند تقاضا دارم اگر به فکر طبقه کارگر هستید، اگر می خواهید دیگر شاهد چنین فجایع انسانی ای نباشیم کنار ما بایستید و بجای ایرانم تسلیم، بگویید #ایرانم_اعتصاب". با این فراخوان همراه شویم.



بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد هلاکت حسن نصرالله

با هلاکت حسن نصرالله و شماری از سران قدس سپاه پاسداران که در روز گذشته ۷ مهرماه صورت گرفت، حکومت اسلامی عزای عمومی اعلام کرده و در مقابل، مردم در ایران و سوریه و لبنان و عراق به شادی و پایکوبی می پردازند. حذف سرکرده سازمان تروریستی حزب الله و فرماندهان ارشد آن، برای جمهوری اسلامی بسیار سنگین است و بویژه از آن رو که به دنبال قتل اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران و قتل شماری از سران سپاه پاسداران و ضربات متعددی در ماههای قبل صورت میگیرد، و حکومت اسلامی هیچ توانی برای مقابله با دولت اسرائیل ندارد، برای حکومت و کل جنبش ارتجاعی اسلامی به مثابه ضربه مرگ قلمداد می شود. جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل آشکارا قافیه را باخته و شکست خورده است و این شکست، نیروهایش را در برابر مردمی که در جنگ سرنگونی با این حکومت هستند، بسیار تضعیف و بی روحیه کرده و در موضع بسیار ضعیف تری قرار می دهد. پیامدهای حذف رهبر حزب الله قطعا صفوف حکومت را بیش از پیش از بالا تا پایین به هم خواهد ریخت، شکافها را بیشتر خواهد کرد، و بحران عمیق و گسترده ای را در صفوف آن دامن خواهد زد که فی الحال نشانه هایش را در گفته های رسانه ها و برخی عوامل حکومتی میتوان مشاهده کرد.

حکومت اسلامی در داخل کشور بشدت منفور و مورد انزجار مردم است و در سطح بین المللی بیش از پیش بی افق و منزوی است و با این ضربه و ضربات قبل از آن، پوچی قلدرمآبی ها و رجزخوانی هایش برای دنیا روشنتر شده و به موقعیت ضعیف تری رانده خواهد شد.

برای ما مردم که در پی سرنگونی این حکومت آدمکش هستیم و جنگ اصلی را با این حکومت به پیش می بریم، شکست سیاسی و نظامی حکومت اسلامی، بسیار خوشحال کننده است و فرصتی است که خود را برای وارد کردن ضربات کاری تر به آن و به زیر کشیدن حکومت در مانده و مستاصل اسلامی آماده تر کنیم.

در همه جا و با استفاده از شیوه های مختلف گفتمان سرنگونی و انقلاب را وسیعا دامن بزینم. به مزدوران حکومت در همه جا به شیوه های مختلف تعرض کنیم و

روحیه هایشان را پایین تر بیاوریم. اعتراضات و اعتصابات بخشهای مختلف را گسترش دهیم. هر چه بیشتر متشکل شویم و همبستگی هایمان را محکم تر کنیم. بی حجابی را گسترش دهیم و سرپیچی از مقررات حکومتی را در سراسر کشور دامن بزینم. در و دیوارها را از شعار پر کنیم و رسانه های اجتماعی را برای هماهنگی و شفافیت خواسته هایمان و آماده سازی برای شروع خیزشهای سراسری وسیعا به کار گیریم.

ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و به زیر کشیدن این حکومت با خیزشهای مردمی، تنها راه خلاصی مردم ایران و دنیا از شر حکومت اسلامی و تروریسم اسلامی و حاشیه ای کردن و پایان دادن به خصوصتها و تفرقه های قومی و مذهبی است. صفوف خود را برای گسترش انقلابمان سازماندهی و آماده کنیم. دنیا برای دستیابی به امنیت و آزادی و صلح، به سرنگونی این حکومت بسیار نیازمند است و مردم دنیا خود را در کنار ما می دانند. با بزیر کشیده شدن جمهوری اسلامی کل جنبش ضد انسانی اسلام سیاسی در منطقه و در جهان منزوی و حاشیه ای خواهد شد و بهانه و توجیه تروریسم دولتی اسرائیل برای سرکوب و کشتار مردم فلسطین تحت لوای مبارزه با تروریسم نیز از بین خواهد رفت. پیروزی مردم ایران در مبارزه علیه جمهوری اسلامی نقطه آغاز حل انسانی مساله فلسطین و پایان بخشیدن به جنگ و کشتار در خاورمیانه خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری همه مردم را به آمادگی و سازمان یافتن برای ادامه انقلاب و سرنگونی حکومت منفور اسلامی و برپایی جامعه ای شاد و برابر و آزاد و بدون اعدام و سرکوب و جنگ و چپاول فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۸ مهر ۱۴۰۳، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴



تجمعات سراسری بازنشستگان مخابرات

امروز دوم مهر ماه بازنشستگان مخابرات به روال دوشنبه های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، اهواز، تهران، سنج، اردبیل، رشت، و قائمشهر با شعارهایی مثل "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" برگزار شده اند.

در این روز همچنین کارکنان مخابرات منطقه تهران در اعتراض به تأخیر پرداخت حقوق ماهیانه خود و با اعلام اینکه در صورت عدم دریافت تا هر روزی که حقوق داده شود این تجمع و اعتراضات را ادامه خواهند داد در محوطه حیاط ساختمان شاهد تجمع کردند.

اعتراض بازنشستگان در سطح سراسری به فقر، گرانی، تبعیض و نابرابری، اختلاسها و دزدیها و بساط سرکوب حکومت است. بازنشستگان مخابرات بعلاوه به

عدم اجرای آیین نامه سال ۸۹ که اندک بهبودی در وضعیت حقوقی شان ایجاد میکند و نیز عدم افزایش سهم بیمه تکمیلی شان از بیست درصد به پنجاه درصد اعتراض دارند. دو نهاد دزد "بنیاد تعاون" و "ستاد اجرایی فرمان امام" که گردانندگان سران رده بالای حکومت تا بیت خامنه ای هستند، سهامداران اصلی و غارتگران مخابرات و ستاد اجرایی امام هستند.

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند از اعتراضاتشان حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!



جمهوری اسلامی آشفته است، وقت دمیدن بر آتش انقلاب است!

مهران محبی

تنها چند روز از کرنش پزشک‌های در برابر آمریکا و متحدان غربی و اسرائیل در اجلاس سالانه سازمان ملل در نیورک و گردنکشی خامنه‌ای در تهران گذشته بود که تهدیدات نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در سخنرانی اش در سازمان ملل به دنبال سخنرانی پزشک‌های به عمل در آمد. و در یک حمله هوایی به مقر فرماندهی اصلی حزب الله لبنان، حسن نصرالله رهبر این گروه تروریستی به همراه تعداد زیادی از فرماندهان ارشد او و همچنین فرماندهانی از سپاه قدس از جمله سرتیپ عباس نیلفروشان را به قتل رساند.

بر خلاف معمول گذشته که خامنه‌ای و سرداران سپاه رجزخوانی می کردند و وعده انتقام سخت و خونخواهی از اسرائیل می دادند، این دومین بار است (قبلا در رابطه با انفجار پیجرهای حزب الله) که او و رژیم اش از رجزخوانی پرهیز می کنند و تنها به دلداری های واهی به اطرافیان و گروه های تروریستی وابسته اکتفا می کنند. خامنه‌ای در رابطه با کشته شدن حسن نصرالله و فرماندهان حزب الله و سپاه قدس این پیام را داده است: "سرنوشت منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان حزب الله سرافراز رقم خواهد زد" و سپس ۵ روز اعلام عزای عمومی کرد.

سران دیگر حکومت مانند جواد ظریف، حسن خمینی، محمد خاتمی و پزشک‌های هم پیام هائی در حد تسلیت گفتن شهادت نصرالله به خامنه‌ای و دلگرمی های بیهوده و خیالی به صفوف خود و تروریست های وابسته حکومت مانند "راه نصرالله ادامه دارد" و "شهادت کسی مانند نصرالله شجره مقاومت را مستحکم می کند" دادند. این وضعیتی است که حکومتی که طی ۴۵ سال گذشته ضدیت با آمریکا و اسرائیل را هویت سیاسی و ایدئولوژیکی خود کرده بود و خود را پایگاه و رأس جهانی امت اسلامی می نامید و نابودی اسرائیل و آزادی قدس را جزو اساسی ترین احکام شرعی برای هر مسلمانی قرار داده بود، امروز به آن دچار شده است.

رژیم اسلامی که تا یکسال گذشته پشتش به گروه های تروریستی وابسته اش گرم بود و فکر می کرد با ایجاد تنش و ناآرامی در منطقه بوسیله موشک پرانی های حماس و حزب الله و غیره به خاک اسرائیل و پایگاه های نظامی آمریکا در عراق می تواند ژست قدرقدرتی و اقتدار در منطقه بگیرد. و با این ژست می کوشید توان سرکوب اعتراضات و خیزش های داخلی را به رخ مردم بکشد. اما بعد از حمله تروریستی ۷ اکتبر حماس به اسرائیل، این دولت حملات گسترده ای را به غزه آغاز و در این حملات ناکارآمد شدن حماس را آشکارا دیدیم. در عین حال حمله حماس بهانه ای شد برای حملات بی امان به غزه که در جریان آن ۵۰ هزار نفر از مردم بی دفاع جنایتکارانه قتل عام و قربانی دو جریان تروریستی اسلامی سیاسی و فاشیست اسرائیل شدند. در جریان این حملات بود که جمهوری اسلامی متوجه برتری قدرت نظامی اسرائیل و نفوذ امنیتی آن در دستگاه های امنیتی خود و گروه های وابسته اش شده و تعادل اش را از دست داد. این وضعیت نامتعادل و آشفتنگی درونی حکومت با هر حمله اسرائیل که به کشته شدن سران گروه های وابسته به آن مانند اسماعیل هنیه و حسن نصرالله و سرداران سپاه منجر شده، شدت یافته است.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. در مقابل اسرائیل که هر روز فشارش را می افزاید نه تنها توان پاسخگویی نظامی مستقیم را ندارد، بلکه حتی مانند گذشته جرأت رجزخوانی و هارت و پورت کردن برای دلگرم کردن نیروهای اردوگاه خود را هم از دست داده است.

تضعیف حکومت در منطقه که به درماندگی و زبونی در پاسخگویی نظامی و تهی

شدن هویت ایدئولوژیکی اش منتج شده، به نفع مردم و انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است. روند درماندگی و زبونی جمهوری اسلامی در جنگ تروریست ها سرعت گرفته و هر روز عمیق تر می شود. این وضعیت ضعف حکومت در مقابل مردم در داخل را نیز عیان تر میکند. جامعه هم دارد فشار خود را بر رژیم تشدید می کند. اعتراضات و تجمعات اعتراضی و اعتصابات روز بروز وسیع تر و رادیکال تر می شوند و فضای سیاسی هر چه بیشتر به نفع انقلاب در حال رقم خوردن است. رویارویی های جامعه با جمهوری اسلامی کاملاً قطبی و انقلابی هستند. این اوضاع همین حالا که حکومت برای کشته شدن نصرالله ۵ روز اعلام عزای عمومی کرده و مردم به شادمانی می پردازند، بسیار مشهود است. در حالیکه خامنه‌ای و رژیم اش در وحشت و عزا است، مردم رقص و شادی می کنند، تجمعات بازنشستگان و اعتصابات کارگری و گسترش بی حجابی زنان به روال معمول در جریان هستند و اینها همه گواه بر این دارند که جمهوری اسلامی با هر ضربه ای که در منطقه می خورد مردم با روحیه تر و قدرتمندتر در مقابلش صف می بندند و همین اوضاع انقلابی در داخل است که پاشنه آشیل پاسخگویی رژیم به ضربات پی در پی اسرائیل بر پیکر تروریسم اسلامی شده است.

جمهوری اسلامی از ترس سرنگون شدن توسط مردم انقلابی در داخل است که جرأت پاسخگویی به حملات اسرائیل را ندارد. می داند در صورت هر اقدام نظامی ای علیه اسرائیل با واکنش شدید مواجه خواهد شد و ممکن است خامنه‌ای و دیگر سران حکومت و فرماندهان سپاه به سرنوشت اسماعیل هنیه و حسن نصرالله دچار شوند و مردم در داخل کارش را تمام کنند. برخلاف جنگ هشت ساله با عراق که برای سرکوب انقلاب ۵۷ و تحکیم رژیم ضروری بود و به گفته خمینی یک مانده بود، امروز درگیر شدن در جنگ با اسرائیل برایش حکم مرگ و سرنگونی دارد.

با این اوصاف حکومت کاملاً دست بسته و به هم ریخته است و زمان مناسبی برای بازگشت به خیابان و اینبار به پشتوانه اعتصابات عمومی و سراسری است. جامعه نسبت به دو سال پیش که انقلاب خود را شروع کرد، سازمانیافته تر، منسجم تر و واقع بین تر شده است. مردم با تجربه دریافته اند که چپ و راست چه تفاوتی با هم دارند. درک کرده اند که چه جریانات سیاسی ای انقلابی و همراه انقلاب مانده اند و چه جریاناتی ضد انقلابی و در برابر مردم و انقلاب قرار گرفته اند. نیروهای نظامی و امنیتی و انتظامی رژیم روحیه باخته تر و مستأصل تر از گذشته شده اند. وقت آن است که شوراهای انقلابی پا گرفته در اوائل انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را فعال تر و تکثیر کنیم. در مراکز کارگری و مدارس و دانشگاه ها و بازار و غیره اعتصابات عمومی و سراسری را آغاز کنیم و خیابان ها را مجدداً و اینبار صدها هزار نفره و میلیونی به تسخیر خود در آورده و تسخیر مراکز نظامی را در دستور قرار دهیم.

تجمع بازنشستگان فولاد و معدن و بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در شهرهای مختلف

یک روز پر شور اعتراض و همبستگی با کارگران معدن طیس



امروز هشتم مهرماه تجمعات متعددی از سوی بخش‌های مختلف بازنشستگان از جمله تجمع بازنشستگان فولاد و معدن در تهران و تامین اجتماعی و صنایع فولاد در شهرهای مختلف بر پا شدند. یک موضوع این اعتراضات همبستگی با معدنچیان معدنچو بود. کارگران میگویند: برای حسن نصراله پنج روز عزای عمومی و بیلورد پیا میکند و اما هیچ بیلوردی با تصویر ۵۲ عزیز جانباخته ما مزین نشد.

کشتار در معدن طیس یک همبستگی بزرگ کارگری و اجتماعی را همراه داشته است. این فاجعه تکانه‌دهنده در عین حال موضوع اعتراض به عدم ایمنی محیط‌های کار را در سطح جامعه جلو آورده است. بازتاب آن را در بیانیه‌های اعتراضی کارگری و در فراخوانهای اعتراضی پرستاران و همین امروز در شعارهای اعتراضی بازنشستگان شاهد بودیم.

در این روز جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان فولاد و معدن از شهرهای مختلف به تهران رفته و با در دست داشتن بنرهایی از کارگران معدن طیس صدای اعتراض خود را علیه این کشتار و جنایت و جان باختن همکارانشان در معدنچو اعلام داشتند. در این تجمع اعتراضی حضور زنان قابل توجه بود و بازنشستگان با شعارهای اعتراضی خود مطالباتشان را طلب کرده و با خشم بسیار فریاد میزدند "وزیر تعاون بیا پایین". بازنشستگان فولاد و معدن قبلاً نیز در هجدهم شهریور تجمع سراسری بزرگی در تهران داشتند و فراخوان بعدی آنها برای روز ۱۵ مهر است.

علاوه بر تهران بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان و اهواز نیز در این روز تجمع داشتند. در این تجمع یکی از بازنشستگان سخنرانی کرده و میگوید: بازنشستگان همچنان با شکوه در کف خیابان فریاد حق طلبی سر میدهند. دوستان عزیز ما در هفته گذشته هفته بسیار غم باری را سپری کردیم. تعداد بسیاری از عزیزان، همکاران و همراهمان ما در معدن طیس دیدید که چگونه دار فانی را به جا گذاشتند. عزیزانی که برای یک لقمه نان با آن حقوق ناچیز درد معدن جانانشان را فدا کردند. اما سرانجام این کار و این تلاش و این زحمتی که آنها در حال انجامند و در گذشته ما انجامش دادیم حاصلش اینست که اینطور هر هفته باید بیاییم کف خیابان فریاد بزنیم که چرا حق و حقوق ما را نپسندید. در ادامه این سخنرانی و یکی از بازنشستگان زن از مشکلات معیشتی و خواسته‌هایشان گفت و با شعارهای "نه مجلس، نه دولت، نیستند بفکر ملت"، "ای دولت دروغگو! حاصل وعده هات کو؟! صدای اعتراض خود را به بی پاسخ ماندن خواسته‌ها و خلف وعده‌ها بلند کردند.

امروز همچنین بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز و کرمانشاه همچون یکشنبه‌های گذشته تجمع داشتند.

در کرمانشاه بازنشستگان شعار میدادند: "معدنکاران طیس تسلیت تسلیت"، "ایمنی کارگر، تضمین باید گردد"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "معیشت، سلامت، حق مسلم ماست"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "بیت المال و خزانه، جولانگاه دزدانه!"، "و اختلاس نجومی، فلاکت عمومی!".

در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش مقابل اداره کار تجمع داشتند. در این تجمع بنر بزرگی در همبستگی با معدنچیان معدنچو قابل توجه بود و فریدون نیکوفرد یکی از بازنشستگان معترض با اعلام یک دقیقه

گفتنی است که بازنشستگان صنعت نفت نیز در روز گذشته در اعتراض به وضع بد معیشتی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود از شهرهای آبادان، اهواز و بوشهر همراه با خانواده‌هایشان در مقابل وزارت نفت در تهران تجمع و اعتراض کردند. مطالبات این بازنشستگان از جمله عبارتند از: افزایش فوری حقوقها و اجرای ماده ده از مقطع سال ۹۲، دارو و درمان رایگان و حذف فرانشیز درمان و پایان دادن به اختلاس و چپاول از صندوق بازنشستگی نفت. این بازنشستگان قبلاً هم در این رابطه و با فریاد "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" تجمعاتی داشته‌اند.

بازنشستگان با شعارهای کوبنده خود فریاد اعتراض کل جامعه علیه فقر و فساد بی‌تامینی حاکم و سرکوبگریهای حکومت هستند. از مبارزاتشان حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مهر ۱۴۰۳، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



فاجعه حکومتی در معدن طبس و فراخوان #ایرانم_اعتصاب - حمید تقوایی

بنا به گزارشات منابع حکومتی تعداد کارگران کشته شده در فاجعه معدن زغال سنگ طبس به ۳۸ نفر رسید. همچنین ۲۷ نفر مصدوم و ۱۴ نفر مفقود هستند. این یک سانحه یا حادثه در محل کار نیست. این یک فاجعه دست ساز حکومت و سرمایه دارانی است که برای جان انسانها هیچ ارزشی قائل نیستند. بنا بر آمار خود حکومت تنها در ۶ ماهه اول سال جاری ۱۲ "سانحه" در معادن ایران رخ داده است و ده ها کارگر قربانی این فجایع بوده اند.

سانحه ای که ماهی دوبار تکرار میشود دیگر سانحه نیست، جنایت حکومتی است. حکومت مافیای کارفرمایان و آقازاده های معدنخوار که نه تنها برای جلوگیری از چنین فجایعی اقدامی نمیکند بلکه دروغ میگویند، تحریف میکنند، و تلاش دارد تحریمها را مسبب این وضعیت قلمداد کند و یا با انتشار آمار سوانح معادن در جهان کشتار کارگران معدن در ایران را امری عادی جلوه بدهد.

اما همه میدانند اکثر قریب به اتفاق سوانح کار در معادن و در همه بخشهای تولیدی در ایران دست ساز حکومت و کاملاً قابل پیشگیری است. تامین امکانات و تجهیزات ایمنی در محیط کار، مواخذه و محاکمه مسئولین مسبب سوانح محیط کار اعم از مقامات دولتی و مدیران و کارفرمایان، پرداخت غرامت به خانواده های کارگران قربانی، و درس آموزی از هر حادثه برای جلوگیری از تکرار آن از جمله ابتدائی ترین موازینی است که هیچیک در جمهوری اسلامی رعایت نمیشود. تنها

دغدغه این حکومت مافیائی سوداندوزی و چپاول و غارت دسترنج کارگران است و بس.

مقابله با این وضعیت کار خود کارگران و مردم شریف ایران است. تا کنون شماری از اتحادیه ها و تشکلهای و چهره های جنبش کارگری بیانیه های اعتراضی کوبنده ای علیه رژیم و مسئولین این فاجعه منتشر کرده اند. از جمله اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه همه کارگران و مزدبگیران را "در اعتراض به شرایط اسفناک ایمنی محیط کار" به اعتصاب سراسری فراخوانده است. و از مردم شریف ایران خواسته است بجای "ایرانم تسلیمت"، بگویند #ایرانم_اعتصاب. جا دارد همه نهادها و تشکلهای و فعالین در جنبش کارگری، جنبش بازنشستگان و پرستاران، و دیگر جنبشهای اعتراضی به این حرکت بپیوندند. دامن زدن به گفتمان اعتصاب سراسری گام اول در سازماندهی عملی اعتصابات است. مندرج در ژورنال شماره ۸۴۲

تجمعات کارگران رسمی عملیاتی نفتی جنوب در مراکز مختلف نفت و گاز

حقوق عادلانه حق مسلم ماست

امروز نهم مهرماه کارگران رسمی عملیاتی جنوب بنا بر قرار قبلی تجمعات اعتراضی خود را برپا کردند. این کارگران دوشنبه ها را به عنوان روز ثابت اعتراضاتشان اعلام کرده اند و بنا بر گزارشات منتشر شده تا کنونی در این روز این تجمعات در شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱)، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، پالایشگاه گاز فجر جم، سکوی های ۴۰ گانه ی-POGC، سکوی عملیاتی #نصر منطقه سیری و شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC برگزار شدند. تعیین روز ثابتی برای اعتراض یک گام مهم در تداوم اعتراضات این کارگران است. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مزاد مالیات کسر شده. اخبار اعتراضات کارگران نفت را وسیعاً بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۹ مهر ۱۴۰۳، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴



اعتصاب عمومی در اعتراض به کشتار معدنچیان طبس

اسماعیل بخشی چهره سرشناس جنبش کارگری همه کارگران و مزدبگیران را "در اعتراض به شرایط اسفناک ایمنی محیط کار" به اعتصاب سراسری فراخوانده و از مردم شریف ایران خواسته است بجای "ایرانم تسلیمت"، بگویند #ایرانم_اعتصاب. اعتصاب عمومی و سراسری در کشور یک تاکتیک مهم مبارزاتی در شرایط کنونی است که در عین حال راه را بر تجمعات و تظاهرات های وسیع و توده ای نیز هموار می کند. فاجعه معدن زغال سنگ طبس که عامل مستقیم آن حکومت اسلامی است، کل جامعه را در خشمی عمیق فرو برده است. اما این فاجعه نه اولین بار است نه آخرین بار. باید اقدامی کرد. باید خشم عمومی را به اقدامی قاطع علیه حکومت قاتل و فاسد و دزد اسلامی و سران جنایتکار آن تبدیل کرد. نباید کارگران معادن را که هر ماه دچار این فجایع می شوند تنها گذاشت.

اعتصاب عمومی توسط کارگران، معلمان، کادر درمان، دانشجویان، دانش آموزان و کارکنان موسسات دولتی و مغازه داران عکس العملی بجا و شایسته ای علیه جنایتی است که عامل مستقیم آن حکومت اسلامی است. اعتصاب در همراهی و همبستگی با کارگران معدن طبس و خانواده های جانباختگان معدن و با خواست محاکمه مسببین این فاجعه. گفتمان اعتصاب عمومی و #ایرانم_اعتصاب را همه جا دامن بزیم و همه جا برای عملی شدن اعتصاب عمومی تلاش سازمان یافته ای را در دستور قرار دهیم. این قدم مهمی در جهت بالفعل کردن اعتصاب در سراسر کشور است. اعتصاب عمومی در کردستان که بارها از جمله در روز ۲۵ شهریور، دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، با موفقیت سازمان داده شده است، تجربه مهمی در این زمینه است.

#ایرانم_اعتصاب

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

همبستگی اجتماعی با معدنچیان طبس و خانواده هایشان ادامه دارد



واقعی کارگران تشکیل گردد و عاملان و مسببان این فاجعه هولناک شناسایی شده و مجازات شوند.

۴ - تشکیل و گروه کارگری به اسامی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های مستقل کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان طی بیانیه ای مشترکی تحت عنوان "سود و سرمایه - مرگ و سانحه" صدای اعتراض خود را به این جنایت آشکار بلند کردند.

- شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نوشته است: "عاملین جنایت در معدن طبس از جنس همان کسانی هستند که بارها و بارها همکاران ما را بخاطر نبود ایمنی محیط کار در دیگر معادن و دیگر مراکز کارگری و در نفت که یک پارچه خطر است و بارها قربانی داده ایم. همان سودجویان کثیف و جنایتکاری که حاضر نیستند اندک هزینه ای برای ایمن شدن محیط های کار متقبل شوند. حاضر نیستند وقفه ای در چرخه تولیدشان صورت گیرد حتی اگر از قبلا به آنها خطر گوشزد شده باشد و دارند هر روزه جنایت میکنند."

- نهاد دادخواهان نوشته است: "ما همه دادخواهیم! همدرد خانواده های جانباختگان #معدن_طبس هستیم! عزیزان ما، به دست حکومت سرمایه داران مفت خور مافیایی، با گلوله و طناب دار به قتل رسیده اند. حکومتی که جان انسانها را، برای بقای چپاول و سود اندوزی خود قربانی میکند! با همه خانواده هایی که عزیز و نان آورشان را در فاجعه #معدن_طبس از دست دادند، همدرد و همراهیم! #نه_میخشیم_نه_فراموش_میکنیم."

- سندیکای شرکت واحد: سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن عرض تسلیت به خانواده های جانباختگان این فاجعه انسانی، علاوه بر کارفرما، کلیه مقامات ذیربط از جمله وزارت کار و اداره کار استان را به دلیل عدم بازرسی دقیق محیط کار به لحاظ ایمنی محکوم می کند و خواستار محاکمه عاملان این فاجعه جبران ناپذیر و پرداخت غرامت و حقوق و مزایا به خانواده های این عزیزان می باشد. صدمه به یک کارگر در هر جا، صدمه به همه ماست.

اتحاد بازنشستگان مینویسد: "این حادثه طبیعی نیست، بی اعتنایی به جان کارگران است. کارگران به مسئولان هشدارهای می دهند، مسئولان اعتنا نمی کنند. منابع مطلع از رویداد انفجار معدن طبس گفته اند که کارگران از روز قبل درباره نشت گاز به مدیران اطلاع داده بودند، اما آنها با بی توجهی گفته بودند که به کار ادامه دهید."

شریفه محمدی این فعال کارگری که با حکم اعدام در زندان لاکان رشت بسر میرد همدردی خود را با خانواده کارگران کشته شده در حادثه معدن طبس اعلام کرده

بدنبال فاجعه معدن ایرانجوی طبس و جان باختن بیش از ۵۰ کارگر جامعه یکپارچه خشم و نفرت و اندوه است و همبستگی ها گسترش می یابد.

امروز سه شنبه سوم مهرماه کارگران معدن طزره درواکش به این فاجعه تکانهنده و در اعتراض به نداشتن امنیت در محیط کار دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. در سال گذشته در ۱۲ شهریور بود که ریزش معدن طزره جان شش کارگر را گرفت و خانواده ها همکارانشان را داغدار کرد.

امروز کارگران پالایشگاه های گاز پارس جنوبی که در ادامه سه شنبه های اعتراضی خود برای هشتمین هفته متوالی تجمع داشتند با معدنچیان طبس و خانواده های کارگران جانباخته ابراز همدردی کردند.

همچنین تشکلهای مختلف کارگری و بخش های مختلف مردمی با بیانیه های اعتراضی خود با کارگران معدن طبس اعلام همبستگی کرده اند. گوشه هایی از این همبستگی ها را در اینجا بازتاب می دهیم:

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران مینویسد: ما درد مشترکیم. برای یافتن نان، جان میدهیم. #ایرانم_اعتصاب را فریاد کن! واقعه هولناک #معدن_طبس بار دیگر تن و جان همگان را لرزاند. ما پرستاران و کادر درمان، شاهدان هر روزه فجاجی کاری در ایران هستیم. مصدومان محیط های کاری از سوختگی و برق گرفتگی تا پرتاب از ارتفاع و قطع عضو از مراجعات هر روزه به مراکز درمانی هستند. شاهد جان باختن کارگرانی هستیم که جانانشان را در دست گرفته و به محیط های کاری غیر ایمن وارد میشوند. ما پرستاران و کادر درمان نیز که در نبود استانداردها و ایمنی لازم تجهیزات و نا ایمن بودن محیط کار همواره با بیماری ها و خطرات جانی روبرو هستیم با خانواده های فاجعه #معدن_طبس ابراز همدردی میکنیم. باید به این قتل هر روزه نیروی کار در ایران پایان داد. با اسماعیل بخشی از رهبران اخراجی اعتصابات نیشکر هفت تپه همصدا میشویم: #ایرانم_اعتصاب. خواست محاکمه عاملین چنین جنایاتی مطالبه همگانی و خواست عموم مردم است."

- شورای بازنشستگان ایران نیز در بیانیه ای با عنوان "قتلگاه کارگران، گنج گاه سرمایه داران" مینویسد: "معدن ایران بوی مرگ میدهند! از کرمان تا شازند از پورت تا طبس، کارگران میمیرند." در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "فاجعه معدن طبس یک کشتار جمعی به دست متولیان و مدافعان وضع موجود است. بیش از ۵۰ کارگر را کشته اند و بیش از ۵۰ خانوار کارگری در فقر طبس با نان آورشان دفن خواهند شد. اینها مرگ ناشی از حادثه نیست همچنانکه در پورت و پلاسکو و متروپل نبود. جنایتی بوقوع پیوسته و مسببان باید در پیشگاه نمایندگان واقعی معدنکاران و خانواده هایشان محاکمه شوند تا مشخص شود که کجا و چگونه برای تامین منفعت بیشتر با جان مردم بازی کرده اند.

اعلام عزای عمومی و اعلام "رسیدگی فوری به ماجرا"، سیاست نخ نمایی است که بجز خشم بیشتر طبقه کارگر و خانواده های مصیبت دیده را در پی نخواهد داشت. ما در یک قطار نیستیم. "این حادثه طبیعی نیست، بی اعتنایی به جان کارگران است. کارگران به مسئولان هشدارهای می دهند، مسئولان اعتنا نمی کنند. منابع مطلع از رویداد انفجار معدن طبس گفته اند که کارگران از روز قبل درباره نشت گاز به مدیران اطلاع داده بودند، اما آنها با بی توجهی گفته بودند که به کار ادامه دهید."

- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نوشته است: "برای آنهایی که تنها کفش هایشان به جا مانده. حادثه غم انگیز و دلخراش جان باختن ۵۱ نفر از کارگران معدن طبس را به خانواده این عزیزان، تمام کارگران و مردم ایران صمیمانه تسلیت می گوئیم... باید کمیته حقیقت یابی برای بررسی این فاجعه با حضور نمایندگان



تجمع کارگران رسمی نفت در شهرکهای مسکونی جم همراه با خانواده حقوق عادلانه حق مسلم ماست

روز گذشته سوم مهرماه کارگران رسمی نفت ساکن در شهرکهای مسکونی جم همراه با خانواده های خود و در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود دست به تجمع و راهپیمایی زدند. حضور خانواده ها در این حرکت اعتراضی صحنه با شکوهی از اعتراض ایجاد کرده بود و جمعیت در حالیکه راهپیمایی میکردند با شعار "حقوق عادلانه حق مسلم ماست" و دیگر شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. شرکت خانواده ها در اعتراضات کارگری قدربخش اعتراضات است و ادامه و گسترش آن تحولی کیفی در مبارزات کارگران در نفت خواهد بود. حزب کمونیست کارگری بر حضور و شرکت فعال خانواده در اعتراضات بخش های مختلف کارگری تاکید دارد.

۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت ، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مزاد مالیات کسر شده.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴

اعتراضات کارگران رسمی سراسری است و از مهرماه سال گذشته آغاز شده است. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده

تجمع کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای مجتمع گاز پارس جنوبی همبستگی با معدنچیان طبس و خانواده هایشان



امروز سوم مهرماه کارگران پالایشگاههای گاز پارس جنوبی در ادامه سه شبه های اعتراضی خود برای هشتمین هفته متوالی جهت پیگیری مطالبات خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. در این تجمعات کارگران با معدنچیان طبس و خانواده های کارگران جانباخته در فاجعه تکانهنده انفجار در این معدن ابراز همدردی کردند. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: بازگشت به کار حجت رضایی، نماینده اخراجی کارگران، اجرای توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل برای همه کارگران پیمانکاری، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای طرح طبقه بندی برای رانندگان غیرمالک، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی، از جمله مطالبات این کارگران است.

تحویل البسه و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو معترض هستند. بخش های مختلف کارگران صنعت نفت در اعتراضات از خواستها و اعتراضات آنها پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۳ مهر ۱۴۰۳، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴

در این روز همچنین کارگران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در نهمین روز اعتراض خود دست به تجمع زدند. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، کسر نکردن مبالغ پاداش های بهره وری، و رفع مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، پرداخت اضافه کاری ماه رمضان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵،

کارگران نیشکر هفت تپه همگان را بخاطر جنایت تکانهنده ای که در معدن طبس روی داد و مصائبی که هر روزه بر سر کارگران می آید به اعتصاب سراسری فراخوان داده است. هشتگ #ایرانم_اعتصاب به هشتگ این فراخوان تبدیل شده است. در فضای انقلابی جامعه گفتمان بر سر اعتصاب سراسری قوت یافته است. وسیعا به تدارک آن برویم

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مهر ۱۴۰۳، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴

همبستگی اجتماعی با معدنچیان طبس و ... از صفحه ۱۰

است.

بازنشستگان کشوری در کرمانشاه نیز در اعتراض به قربانی شدن کارگران معدن زغال سنگ #طبس و تمامی کارگرانی که در معادن و کارگاهها و کارخانه های نا امن قربانی سیاست های سود محور حاکم بر کشور می شوند و نیز کشتار کولبران و سوختبران، یک دقیقه اعلام سکوت کردند و به این جنایت اعتراض کردند. همانطور که قبلا گزارش کردیم اسماعیل بخشی کارگر اخراجی و از رهبران



جنگ تروریست ها و نتایج آن برای ما کارگران

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

در گیر و دار تشدید جنگ اسرائیل و حزب الله لبنان، خبر به هلاکت رسیدن رهبر قاتل این گروه تروریستی، ضمن مسرت بخش بودن آن برای همه کسانی که در سرتاسر دنیا از این جریان جنایتکار و آسیب دیده اند، جا دارد تاسف خود را از جانباختن و آوارگی مردم منطقه به وسیله آتش افروزی های این دو جریان جنایتکار- تروریسم اسلام سیاسی و تروریسم دولتی اسرائیل و آمریکا و... ابراز کنیم. ضمناً ابراز خوشحالی از حذف عناصر تروریست به معنای تأیید حاکمیت افراطیون در اسرائیل نیست و خواست ما خلع ید از تمامی این جنایتکاران در منطقه و سرتاسر جهان است.

این اتفاق جای این سؤال را باز می کند که سمت و سوی جنگ به کجا خواهد کشید؟ و وظیفه ما کارگران در قبال جنگ این نمایندگان قاطین تروریستی چیست؟ تا همین جای کار، یعنی هلاکت حسن نصرالله، ترکش ها و آوار این حمله به ایران و زندگی ما کارگران رسیده است. بالا رفتن قیمت طلا و دلار و به تبع آن افزایش قیمت خدمات و کالاهای اساسی، کمترین اثرات این زد و خورد بین جنایتکاران است. اما این اتفاق، چه با مردن و نمردن رهبر تروریست های حزب الله اتفاق می افتاد. چرا که فروپاشی و گسستن شیرازه اقتصاد و قدرت در ایران-لااقل- از سال ها پیش در جریان بود و این موضوع تنها آن را سرعت بخشیده است.

اما واقعیت موضوع چیست؟

با ضربات اخیر به نیروهای نیابتی در منطقه و تضعیف عمال رژیم دزدان اسلامی، حقیقت توخالی و پوشالی بودن جمهوری اسلامی، بیشتر عریان و آشکار شده است و با وجود همه بودجه ها و سلاح هایی که خرج زورگیریان منطقه اش می کند، واقعیت این است که لحظات آخر عمرش را سپری می کند.

میان تهی شدن نیروهای نیابتی و "محور مقاومتی"، خالی شدن دست جمهوری اسلامی برای بازی های سیاسی و نظامی و گردنکشی در منطقه و مهم تر از همه؛ ناتوانی اش در عرض اندام و کنترل بحران های داخلی و بی پاسخی در همه هرحه ها -داخلی و خارجی- را به نمایش گذاشته است. این آن واقعیتی است که مورد توجه ماست.

اینکه شدت این درگیری ها چه اندازه امنیت منطقه را به خطر می اندازد و کدام افت و خیزها و تنگناهای اقتصادی برای کارگران و مزدبگیران رقم خواهد زد؛ اهمیت معادل اهمیت موقعیت و جایگاهی است که برای قطب سوم- یعنی ما کارگران و مردم منطقه- در این جنگ تروریستی فراهم آمده است. از قدیم نقل قول میشد، "وقتی درندگان به جان هم می افتند، برای مردم راهگشاست". اکنون بیش از هر زمانی در این نقطه و موقعیت قرار داریم. جایی که می توان یقین داشت که بازی به نفع و در دستان ماست.

با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، بسیاری از مردم کشورهای همسایه- همچون سایر نقاط جهان- حمایت ها و همراهی با آن را اعلام و ابراز می کردند. هم سرنوشتی و اشتراک در اهداف این انقلاب مدرن، بسیاری از مردم را در عراق و سوریه و لبنان و فلسطین و حتی اسرائیل به میدان کشید. خواست توقف جنگ و تروریسم همزمان با مطالبه آزادی و برابری و رفاه همگانی و مقابله با همه انواع تبعیضات، در منطقه موج می زند و سازماندهی این مبارزه برای خواست های انسانی در همه کشورهای منطقه، وظیفه ما کارگران کمونیست است.

پرچم و جبهه مبارزه علیه تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی بیش از هر زمانی تقویت شده و راهگشای مبارزه با همه سرمایه داری در منطقه است. اتحاد عمل و همکاری به جنبش های انقلابی منطقه برای از بین بردن سرهای پوسیده این جنبش

های ارتجاعی، از وظایف ماست و از هم اکنون می بایست آماده تغییرات و تحولاتی که در توازن قوای منطقه پدید آمده شویم. این تغییر موازنه فرصت مناسبی برای به میدان کشیدن جبهه سوم به میدان، نه تنها در خاورمیانه و کل آسیا، که در سراسر جهان است.

آنچه که تشدید بحران و آوارهای جنگ تروریستی خواندیم، برای ما مردم و مزدبگیران معضلی همیشگی است؛ مادام که ساختار اقتصادی و سیاسی و سرنوشت این جوامع و مردم، در دستان مشتی جنایتکار دزد قرار دارد. چاره اما بر انداختن رژیم های حاکم و بر هم زدن نظم موجود است. تعرضات گسترده به سفره ما کارگران و زحمتکشان، با اعمال حقوق های چندین برابر زیر خط فقر و تحمیل انواع و اقسام محدودیت و محرومیت از معیشت و زندگی با نام های "ریاضت اقتصادی"، "اقتصاد مقاومتی" و غیره؛ سیاست هایی برای خالی کردن سفره و جیب های مان، برای رنگین کردن بساط خود و از جمله رونق بازار جنگ و آتش افروزی و مردم ستیزی است.

این حربه ها و بساط را تنها با اعتراضات متحد و اعتصابات گسترده می توان پاسخ داد. اکنون که اهرم های قدرت- هم پول و ثروت و هم سلاح ها و ابزار کشتار- در دستان مشتی جنایتکار دزد است؛ ما با از کار انداختن چرخه تولید و خدمات در جامعه قادر به فلج کردن این هیولای چند سر هستیم. قدرت ما در با هم بودن، سازمان یافتن و به میدان آمدن است. با این سلاح ها ما قادر به از کار انداختن این ماشین نور و کشتار و دزدی و جنایت هستیم.

وظیفه امروز ما کارگران و مزدبگیران از هر بخشی از جنبش انقلابی زن زندگی آزادی؛ دعوت سراسری از همه آحاد و گروه های اجتماعی، از هر قشر و طبقه- حتی در کشورهای منطقه-، برای به میدان آمدن گسترده تر و رونق بخشیدن به مبارزات انقلابی و حمایت از مردم بی پناه لبنان و فلسطین و اسرائیل در مبارزه با قطب های تروریستی منطقه است.

همچنین حمایت از کارگران نفت و بازنشستگان و پرستاران و دیگر بخش های در حال مبارزه جامعه و سرعت بخشیدن به ایجاد و تأسیس شوراها و مجامع در محل های کار و زندگی و آماده شدن برای موقعیت های تعرضی جدید که احتمال وقوع آن از هر زمان بیشتر شده است. باید صفوف خود را منسجم تر، و منظم تر کنیم و آماده رویارویی و مبارزه گسترده تر و نهایی برای به پیروزی رساندن انقلاب مان شویم. این آرزوی دیرینه همه زحمتکشان و مزدبگیران و آزادیخواهان ایران و جهان.

ما کارگران و مزدبگیران بدرستی میدانیم که به تهنایی قادر به دریافت حقوق و مطالبات خود نیستیم و اتحاد و تشکل برای اعتراض و اعتصاب، بزرگترین ابزار ماست. و مهمتر اینکه باید به سلاح و ابزار پیشرفته و مدرن در این مسیر پر مخاطره مسلح بود. پس ما بعنوان یک بخش از کارگران هم سرنوشت با دیگر مزدبگیران، از شما دعوت به پیوستن به حزب کمونیست کارگری می کنیم، که پیشروترین سازمان و حزب اجتماعی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی است.

زننده باد انقلاب زن زندگی آزادی، زننده باد حزب کمونیست کارگری

- کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در نهمین روز اعتراض خود دست به تجمع زدند. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، کسر نکردن مبالغ پاداش‌های بهره‌وری، و رفع مشکلات مکرر در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، پرداخت اضافه کاری ماه رمضان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، تحویل البسه و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو.

دوشنبه ۲ مهر

- بازنشستگان مخابرات در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان تجمع سراسری داشتند و این تجمع در اهواز نیز برگزار شد.

- کوکب بداعی پگاه، از معلمان معترض در خوزستان، با دریافت ابلاغیه ای با تاریخ یکم مهرماه جهت اخذ آخرین دفاع به شعبه ۱۳ بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب اهواز احضار شد. در این ابلاغیه از او خواسته شده بود که ظرف مدت ۵ روز جهت اخذ آخرین دفاع از بابت اتهامات انتسابی در شعبه مذکور حاضر شود. کوکب بداعی پگاه اواخر تیرماه ۱۴۰۲، توسط شعبه دو هیات تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان به دلیل شرکت در اعتراضات معلمان و سخنرانی در جریان اعتراضات به انقصال موقت از خدمت به مدت یک ماه محکوم شده بود.

- رضا عرب پور، زندانی سیاسی، ۶۸۰ روز است که در بازداشت و بلا تکلیفی در زندان شیبان اهواز بسر میبرد. او در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ به همراه ۷ تن دیگر از جوانان ایذه توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده بود.

- یک زن جوان در بهبهان شامگاه جمعه ۳۰ شهریورماه، در حوالی میدان محسنی در حال حرکت به سمت یک آبمیوه فروشی توسط دو سرنشین موتورسیکلت که یکی از آنها تحت عنوان "آمر به معروف" به وی تذکر داده بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفت. بنا بر گزارشات، گشت ارشاد دوباره به خیابانها می آیند و مردم خشمگین با آنها درگیر میشوند.

- کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در ادامه اعتراضات خود برای هشتمین روز دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۱ مهر

- بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلف تجمع داشتند. و این تجمعات همچون هفته های گذشته در اهواز و شوش نیز برگزار شدند. دراهواز بازنشستگان در میدان کارگر، روبروی سازمان تأمین اجتماعی تجمع داشتند و در شوش و شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده و مقابل تامین اجتماعی شوش تجمع بر پا کردند.

- بازنشستگان فولاد دراهواز و در ادامه اعتراضات خود، در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان تجمع کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"

- اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد هفتمین روز شد. حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر شاغل در این شرکت کار اصلی بارگیری مواد شیمیایی از مخازن کشتی‌ها در اسکله را انجام میدهند.

شنبه ۳۱ شهریور

- امان جلالی نژاد، جعفر سلمان نژاد و مهدی معمار، متهمان سیاسی در یک پرونده

از خوزستان خبر میرسد؟

۳۰ شهریور تا ۶ مهر ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۶ مهر

- اخبار حکومتی از وضع بد بیمارستانها و کمبود پرستار گزارش میدهند. از جمله احمد نجاتیان، رئیس کل سازمان نظام پرستاری که به تاژگی وضعیت کار گروه رسیدگی به وضعیت گروه‌های پرستاری در وزارت بهداشت را تشریح کرده و وضعیت نیروی انسانی در استان خوزستان را فاجعه خواند و نسبت پرستار به تخت در این استان را حدود ۰/۶ (شش دهم) اعلام کرد. کمبود پرستار و بالا بردن استاندارد بیمارستانها یکی از موضوعات اعتراضات پرستاران و کادر درمان است.

پنجشنبه ۵ مهر

- حجت آل محمدی، شهروند ساکن ایذه در دوشنبه ۲۶ شهریور برای چندمین بار دستگیر شد و خبری از محل نگهداری او در دست نیست. این موضوع موجب نگرانی خانواده و نزدیکان وی شده است. حجت آل محمدی قبل از این نیز، در ۲۳ مرداد امسال دستگیر و چندی بعد از زندان شیبان اهواز آزاد شده بود. او همچنین پیشتر در ۲ خرداد ۱۴۰۲ دستگیر و نهایتاً بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به ۹ ماه حبس محکوم شده بود. او در تاریخ ۹ بهمن سال گذشته بعد از پایان دوره محکومیت خود آزاد شده بود. حجت آل محمدی در سال ۹۴ نیز دستگیر و تا سال ۹۸ تحت بازداشت موقت بوده است.

چهارشنبه ۴ مهر

- جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی از شهرهای باوی، سوسنگرد، حمیدیه و کارون در محل کانون بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود و محرومیت از حق درمان رایگان تجمع کردند. در این تجمع بنری با نوشته "درمان رایگان حق مسلم ماست" قابل توجه بود و بازنشستگان شعار میدادند: "معیشت، منزلت، درمان، حق مسلم ماست".

- خوزستان یکی از محرومترین استانهای کشور به لحاظ امکانات زیستی از جمله بیمارستان و مدرسه و بهداشت شهری است. در بسیاری از روستاها کودکان در کانکس‌های بدون کولر و فرسوده و بنایی ناتمام و نا امن درس میخوانند. یکی از این مدارس دبستان لقمان در روستای سادات نجات بزرگ از توابع کرخه است که سال تحصیلی جدید را در چنین مدرسه ای آغاز کردند.

سه شنبه ۳ مهر

با گذشت ۱ ماه از آخرین جلسه شورای تامین با دانشگاه علوم پزشکی اهواز در استانداری خوزستان و اخذ تعهد کتبی از دانشگاه علوم پزشکی این شهر در حضور بازرسان و هیات مدیره نظام پرستاری اهواز برای عملی شدن خواسته‌های پرستاران، هنوز اقدامی صورت نگرفته است. و پرستاران به این خلف وعده اعتراض دارند. معوقات پرستاران عبارتند از: تعرفه پرستاری تا پایان مرداد ۱۴۰۳، اضافه کار تا پایان مرداد ۱۴۰۳، پرداخت فوق العاده خاص تا پایان شهریور ۱۴۰۳، حق مسکن و... از پرداخت معوقات شش ماه اول سال ۱۴۰۳ خبری نیست.



گزارشی از اعتصاب ما کارگران پروژه ای پیمانی نفت و گاز

تهیه شده بر اساس گزارشات میدانی

در جریان هشتاد که در سی و یکم خرداد ماه اعتصاب سراسری امسال خود را آغاز کردیم و همراهی خوبی هم از سوی همکاران با این اعتصاب شد. در این اعتصاب ۲۴ هزار همکار پروژه ای پیمانی در ۱۲۳ شرکت نفت و گاز شرکت داشتند.

همانطور که قبل اعلام داشتیم افزایش حقوق ها مطابق خواست اعلام شده ما کارگران، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران مطالبات فوری ما کارگران پروژه ای است. بعلاوه اینکه دیگر مطالبات ما در رابطه با شرایط معیشتی و کاری مان همچنان بی پاسخ مانده و پیگیر آنها نیز هستیم. پیمانکاران تلاش کردند که اعتصاب را عقب بزنند. نیروی کار جدید وارد کنند، تهدید به اخراج و تهدیدات امنیتی کردند. اما موفق نشدند و اعتصاب گسترده ما نشانگر اتحاد و همبستگی مبارزاتی ما کارگران شاغل در نفت بود.

در برخی از مراکز نفتی پیمانکاران به ناگزیر ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت را پذیرفتند و همانطور که در نیمه مرداد ماه گزارش کردیم تاکید همکاران این بوده است که باید حقوق کامل ماه به آنها پرداخت شود. ۳۵ درصد افزایش حقوق نیز منظور شده باشد، بعلاوه دستمزدها به موقع پرداخت شود. در عین حال باید دیگر مطالبات ما کارگران پروژه از جمله بهبود لازم کیفیت غذا و شرایط زیستی در کمپها و ایمنی محیط کار تامین گردد. همچنین حذف پیکاران یک خواست سراسری ما کارگران در نفت و جزو مطالبات اعلام شده ما کارگران پروژه ای است

اما بدلیل اینکه در بخش بزرگی از مراکز نفتی پیمانکاران مفتخور به خواستهای ما کارگران تن ندادند اعتراض در آن بخش ها ادامه یافت. و کارگران اعلام کردند که تا پاسخ نگیرند سر کار باز نمیگردند

آخرین گزارشات دریافتی ما از همکاری که از مراکز مختلف جمع آوری کرده است حاکی است: اعتراضات و اعتصابات هنوز کم و بیش در بعضی از پالایشگاهها برقرار است ولی در پتروشیمی ها تقریباً خبری نیست. البته در بعضی از پتروشیمی ها و پروژه های پتروشیمی در منطقه ویژه بعضی از نفرات به صورت

گروهی و اعتراضی تسویه حساب کردند. که اهم خواسته آنان افزایش حقوق طبق تورم آن هم تورمی که در بازار باشد نه تورم اعلامی از سوی دولت. چون تورمی که در بازار هست و تورمی که دولت اعلام میکند به قول معروف از زمین تا آسمان می باشد.

اعتراض دیگر این همکاران نوع برخورد پیمانکاران و کارفرما با نیروهای اجرایی می باشد که در شان کارگر نیست و نخواهد بود و همچنین بحث ایمنی و بهداشت محیط کار و کمپ ها و غذا و آب آشامیدنی غیر بهداشتی و غیر استاندار موضوعات اعتراض آنان بوده که باعث اعتصاب و تسویه حساب دسته جمعی در بعضی از پروژه ها شده است. در برخی از پروژه ها دیگر هم نفراتی که اعتصاب کرده بودند به نشانه اعتراض تسویه حساب کردند. گفته میشود که دستور رسیده است که این کارگران در پروژه های دیگر استخدام نشوند. اما این کارگران قاطعانه اعلام کرده اند که در برابر این ابعاد از تحقیق و بی حقوقی کوتاه نمی آیند.

همکاری گزارش کرده است که گویا کارفرمایان بخاطر پس گرفتن پیشروی های این اعتصاب که در جاهایی ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت را پذیرفته اند، میکوشند بخاطر تسویه حسابهایی که شده و کمبود نیرویی که پیش آمده میخواهند همان طرح قدیمی ۲۳ روز کار و هفت روز استراحت را دوباره اجرایی کنند. اما این اقدام بدون شک با واکنش اعتراضی کارگران روبرو میشود. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر حفظ اتحاد و همبستگی همکاران و متحد ماندن حول خواستهای اعلام شده خود تاکید دارد. شورا اعتراضات همکاران در دیگر بخش های نفت را تقویت کننده شرایط ادامه اعتراضات همکاران پروژه ای پیمانی داده و از آنها قاطعانه حمایت میکند و در عین حال بر حمایت و پشتیبانی آنها از مبارزات ما کارگران پروژه ای تاکید دارد. متحد بمانیم.. زنده باد اتحاد کارگری

#ایرانم_اعتصاب_#معدن_طبس #اتحاد_اتحاد_علیه_فقر_و_فساد
#کارگران_ارکان_ثالث_نفت #کارگران_رسمی_نفت
#کارگران_پروژه_ای_نفت #شریفه_را_آزاد_کنید
برگرفته از مدیای اجتماعی

- محرومیت ازدادن داروهای مورد نیاز، به بازداشت شدگان در زندان، سیاستی جنایتکارانه از سوی حکومت اسلامی علیه زندانیان سیاسی و قتل خاموش آنهاست. بنا بر آخرین خبرها فارس رماحی، زندانی سیاسی محبوس در زندان شبیان اهواز از دارو و درمان محروم است. علیرضا مرداسی، معلم و متهم سیاسی، ۴۱۵ روز است که با حال نامساعد جسمانی در زندان شبیان اهواز در بازداشت و بلا تکلیفی به سر می برد. او با اتهاماتی از جمله افساد فی الارض و عضویت در گروه باغی، تاکنون دادگاهی نداشته و نزدیک به ۱۵ ماه است که در حالت بلا تکلیفی، و بدون رسیدگی قضایی، در زندان است. مرداسی در دهم مردادماه ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی در اهواز بازداشت شد. او معلمی چهل ساله است و بیش از بیست سال، سابقه تدریس در مقطع ابتدایی دارد. مرداسی از بیماری ریوی رنج میبرد و همچون بسیاری از زندانیان، از درمان و دارو محروم است.

همچنین محمد طهماسبی، در مرداد ماه سال جاری در ارومیه دستگیر و ابتدا به زندان شبیان اهواز و بعد به بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهر منتقل شد. او به بیماری چسبندگی روده مبتلاست و از درمان محروم است.

واحد خوزستان - کمیته سازماندهی حزب کمونیست کارگری

۹ مهر ۱۴۰۳، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴.

از صفحه ۱۳

از خوزستان چه خبر؟ ...

قضایی مشترک هستند که بیش از پنج ماه است به صورت بلا تکلیف در زندان شبیان اهواز در بازداشت، بسر می برند. گفته میشود که پرونده آنها در دادسرای اهواز در حال بررسی است. بنا بر گزارشات این زندانیان در اواخر خرداد سال جاری، در شعبه ۱۳ بازپرسی دادسرای انقلاب اهواز به ریاست بازپرس آذرنوش، با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه های مخالف نظام تهیم اتهام شده اند.

- ساخت مجسمه ۱۰ میلیارد تومانی رئیسی جلاد توسط شهرداری اهواز بحث های اعتراضی را دامنه زده است. یکی از فعالین مدیای اجتماعی، عکس این مجسمه را به اشتراک گذاشته و مینویسد: "شهرداری اهواز مجسمه ۴ متری و ۳ تنی آیت الله رئیسی را با هزینه ۱۰ میلیارد تومان طراحی و در میدان فلسطین (استانداری) نصب کرده است. این در حالی است که مناطق کم برخوردار از امکانات اولیه شهری، همچون منبع آب حصارآباد، ملاشیه، عین ۲ و گلدشت از کمترین خدمات شهری فوق محرومند."

جمعه ۳۰ شهریور

کارگران در هفته ای که گذشت تنظیم کننده کارگر کمونیست

دوشنبه ۹ مهر:

- کارگران رسمی عملیاتی های جنوب بنا بر قرار قبلی تجمعات اعتراضی خود را برپا کردند. این کارگران دوشنبه ها را به عنوان روز ثابت اعتراضاتشان اعلام کرده اند و بنا بر گزارشات منتشر شده تا کنونی در این روز این تجمعات در شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت 1)، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت 2)، پالایشگاه گاز فجر جم، سکوی های ۴۰ گانه ی-POGC، سکوی عملیاتی #نصر منطقه سیری و شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC# برگزار شدند. تعیین روز ثابتی برای اعتراض یک گام مهم در تداوم اعتراضات این کارگران است.

- بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه های اعتراضی خود برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای کرمانشاه، اهواز، تهران، اردبیل، رشت، تبریز، مریوان، خرم آباد، ارومیه، ایلام و یزد برگزار شدند.

- در پاسخ به نامه کنفدراسیون کار ایران لوک تریانگل دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری با ابراز تأسف عمیق از فاجعه انفجار در معدن زغال سنگ معدنجوی طبس و همدردی با خانواده های قربانیان اعلام کرد

- آنتونیو تاجانی وزیر امور خارجه و همکاریهای بین المللی ایتالیا در پاسخ به سه تشکیل کارگری ایتالیا (CGIL, CISL, UIL) که خواستار دخالت فوری دولت ایتالیا برای لغو حکم اعدام شریفه محمدی، فعال مستقل کارگری شده بودند، اعلام کرد که دولت ایتالیا در خصوص پرونده خانم شریفه محمدی از مقامات ایرانی خواسته است که حکم اعدام او را مورد بازنگری قرار داده و تضمین کامل حقوق بشر و توقف مجازات اعدام را مورد توجه قرار دهند.

یکشنبه ۸ مهر:

- جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان فولاد و معدن از شهرهای مختلف به تهران رفته و با در دست داشتن بنرهایی از کارگران معدن طبس صدای اعتراض خود را علیه این کشتار و جنایت و جان باختن همکارانشان در معدنجوی اعلام داشتند. تجمع بعدی آنها پانزده مهر برگزار میشود.

- بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان و اهواز در اعتراض به وضع بد معیشتی و برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند.

- بازنشستگان تامين اجتماعي در شهرهای شوش، تهران، رشت، اهواز و کرمانشاه همچون یکشنبه های گذشته در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود تجمع داشتند. یک موضوع اعتراضات بازنشستگان در این روز همبستگی با معدنچیان معدنچو بود. کارگران میگویند: برای حسن نصراله پنج روز عزای عمومی و بیلپورد بپا میکنند و اما هیچ بیلپوردی با تصویر ۵۲ عزیز جانباخته ما مزین نشد.

- کارگران شرکت گندله سازی مادکوش در استان هرمزگان در اعتراض به سطح پایین حقوق ها دست به اعتصاب و تجمع زدند.

- متقاضیان مسکن سبزواری نسبت به اختلاف قیمت و تاخیر در تحویل واحدها دست به تجمع اعتراضی زدند.

- زنان زندانی در زندان اوین با خانواده جانباختگان فاجعه معدن طبس اعلام همدردی کردند.

- کارگران فولاد مادکوش بندر عباس نیز در اعتراض به مشکلات معیشتی و شغلی از جمله سطح پایین حقوقها، عدم پرداخت به موقع دستمزد و مزایا و تبعیض در پرداختها با مسدود کردن راه های منتهی به کارخانه برای دومین روز تجمع داشتند.

شنبه ۷ مهر:

- بازنشستگان صنعت نفت نیز در

اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود از شهرهای آبادان، اهواز و بوشهر همراه با خانواده هایشان در مقابل وزارت نفت در تهران تجمع و اعتراض کردند. مطالبات این بازنشستگان از جمله عبارتند از: افزایش فوری حقوقها و اجرای ماده ده از مقطع سال ۹۲، دارو و درمان رایگان و حذف فرانشیز درمان و پایان دادن به اختلاس و چپاول از صندوق بازنشستگی نفت.

- بازنشستگان کشوری در مقابل دفتر پزشکيان و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه خلف وعده ها و بی پاسخ ماندن خواسته های بلند کردند.

- بازنشستگان استان لرستان در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به مطالباتشان تجمع کردند.

- زندانیان سیاسی محبوس در زندان عادل آباد شیراز، در پی جان باختن کارگران معدن زغال سنگ طبس طی بیانیه ای از کارگران معدن طبس اعلام حمایت کردند.

جمعه ۶ مهر:

- کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود در شرکت نفت فلات قاره در بهرگان و سیری دست به تجمع زدند.

- گروه کوهنوردی چلچمه سنندج با صعود به کوه با کارگران معدن طبس با خواست محاکمه کارفرما، اداره کار و عاملان قتل کارگران معدن اعلام همبستگی کردند.

پنجشنبه ۵ مهر:

- جمعی از بازنشستگان تامين اجتماعي از شهرهای باوی، سوسنگرد، حمیدیه و کارون در محل کانون بازنشستگان تامين اجتماعي اهواز در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود و محرومیت از حق درمان رایگان تجمع کردند.

چهارشنبه ۴ مهر:

- پرستاران و کادر درمان یزد از بیمارستانهای مختلف این شهر در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان در محل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی صدوقی یزد تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند.

- جمعی از مردم در رشت با روشن کردن شمع و بدست گرفتن بنری که بر رویش نوشته شده بود "طبس"، بابا جان داد" خشم و نفرت خود را نسبت به مسببین این جنایت اعلام کردند و با خانواده های کارگران جانباخته ابراز همدردی و همبستگی کردند.

سه شنبه ۳ مهر:

- با زنشستگان کشوری در شهر کرمانشاه در ادامه اعتراضات تا کنونی خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. تجمع امروز بازنشستگان در کرمانشاه با یک دقیقه سکوت در اعتراض به قربانی شدن کارگران معدن زغال سنگ #طبس و تمامی





عبارتند از: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، دو تشکل شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث، شورای بازنشستگان ایران، سندیکای شرکت واحد، اتحاد بازنشستگان، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، ۴ تشکل و گروه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل

های مستقل کارگری و کارگران بازنشسته خوزستان، نهاد دادخواهان،

دوشنبه ۲ مهر:

- حدود ۴۰۰ نفر از کارگران معدن زغال سنگ طزره در اعتراض به وضع ایمنی محیط کار و بی پاسخ ماندن خواستههایشان دست به اعتصاب زده و تجمع اعتراضی برپا کردند. در روز ۱۲ شهریور ۱۴۰۲، ریزش معدن طزره جان شش معدنچی را گرفته بود. کارگران طزره که مشمول مقررات مشاغل سخت و زیان آور می شوند به دلیل درج عناوین شغلی غیر واقعی در لیست بیمه ای از سوی برخی پیمانکاران پیشین، در زمان بازنشستگی دچار مشکل شده و نمی توانند از مزایای بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند..

-بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان در شهرهایی همچون کرمانشاه، اهواز، تهران، سنندج، اردبیل، رشت، میوان، بروجرد و قائمشهر تجمع کردند.

-اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد پنجمین روز شد

-کارگران رسمی نفت در ادامه اعتراضاتشان در مراکز چون مجتمع گاز پارس جنوبی منطقه عسلویه، شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان بوشهر، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سکوی ۴۰گانه ی-POGC در سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری برپا شدند.

دوشنبه ۲ مهر:

-بازنشستگان مخابرات برای پیگیری مطالباتشان در شهرهایی همچون کرمانشاه، اهواز، تهران، سنندج، اردبیل، رشت، میوان، بروجرد و قائمشهر تجمع کردند.

-اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد پنجمین روز شد

-کارگران رسمی نفت در ادامه اعتراضاتشان در مراکز چون مجتمع گاز پارس جنوبی منطقه عسلویه، شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان بوشهر، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سکوی ۴۰گانه ی-POGC در سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری برپا شدند.

- کارگران ارکان ثالث در پالایشگاههای مختلف در مجتمع گاز پارس جنوبی استان بوشهر برای هفتمین هفته متوالی جهت پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. در این روز کارگران پالایشگاه گاز پارسیان واقع در استان فارس نیز برای اولین بار به اعتصاب پیوستند.

کارگران در هفته ای که گذشت ...

از صفحه ۱۵

کارگرانی که در معادن و کارگاهها و کارخانه های نا امن قربانی سیاست های سود محور حاکم بر کشور می شوند و نیز کشتار کولبران و سوختیران، برگزار شد.

- کارگران پالایشگاههای گاز پارس جنوبی در ادامه سه شنبه های اعتراضی خود برای هشتمین هفته متوالی جهت پیگیری مطالبات خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. در این تجمعات کارگران با معدنچیان طیس و خانواده های کارگران جانباخته در فاجعه تکانهنده انفجار در این معدن ابراز همدردی کردند.

- کارگران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر برای ششمین روز متوالی دست از کار کشیده و در محوطه محل کار خود تجمع اعتراضی برگزار کرده اند.

- پایان عملیات "نجات معدنچیان" از اعماق صد متری زمین از سوی حکومت اعلام شد. این درحالیست که بعد از خبر جانباختن ۵۲ معدنچی، حکومتیان گفته بودند که هنوز تعدادی در اعماق زمین حبس هستند.

- گروهی از معلمان در لنگرود نیز تجمع کردند و با سخنرانی هایشان با معدنچیان طیس اعلام همبستگی کردند.

- سه فعال کارگری زن از بند زنان اوین به اسامی ناهید خداجو، ریحانه انصاری نژاد و نسرین خضر جوادی «طی بیانیه ای پیرامون "فاجعه معدن معدنچو" با خانواده های جانباختگان در این فاجعه تکانهنده اعلام همبستگی کردند.

- کارکنان رسمی مخابرات تبریز در اعتراض به تاخیر و بی نظمی در پرداخت حقوق، فریز غیرقانونی کمک هزینه های رفاهی و توقف پرداخت کمک هزینه های مناسبتی و...تجمع کردند.

- کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» در سی و پنجمین هفته از این کارزار، روز سه شنبه سوم مهر ۱۴۰۳ در ۲۱ زندان مختلف از جمله زندان اوین (بند زنان، بند چهار و هشت)، قزلحصار (واحد سه و چهار)، مرکزی کرج، زندان تهران بزرگ، خرم آباد، نظام شیراز، اسدآباد اصفهان، بم، مشهد، قائم شهر، لاکان رشت، اردبیل، تبریز، ارومیه، خوی، نقده، سلماس، سقز، بانه، میوان و زندان کامیاران علیه حکم غیرانسانی اعدام دست به اعتصاب غذا می زنند. فعالان این کارزار در بیانیه خود با خانواده های جانباختگان صمیمانه ابراز همدردی می کنند و آرزوی سلامتی برای محرومین این حادثه را دارند.

- شریفه محمدی فعال کارگری در زندان لاکان رشت که حکم اعدام برای او صادر شده است، طی نامه ای با خانواده های کارگران جانباخته در معدن طیس اعلام همدردی و همبستگی کرد.

- جمعی از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در دادخواهی از کارگران کشته شده معدن زغال سنگ طیس اقدام به نصب پلاکاردهای اعتراضی در محیط دانشگاه کردند. از جمله شعارهای نوشته شده روی پلاکاردهای دانشجویان عبارت است از: مرگ کارگران معدن طیس حادثه نیست، قتل است، محیط امن کاری، حق ابتدایی کارگران است، فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم

- کارگران رسمی نفت در شهرکهای مسکونی جمع همراه با اعضای خانواده های شان برای پیگیری مطالباتشان تجمع و راهپیمایی کردند.

- تشکلهای مختلف کارگری و بخش های مختلف مردمی با بیانیه های اعتراضی خود با کارگران معدن طیس اعلام همبستگی کرده اند. لیستی از این حمایت ها



همبستگی با کارگران معدنجوی طبس، تجمع اعتراضی پرستاران در یزد و اخباری دیگر

فاجعه معدنجوی طبس و کشتار بیش از ۵۰ کارگر در انفجار این معدن توجه کل جامعه را به خود جلب کرده و همبستگی با معدنچیان و ابراز همدردی با خانواده های آنان ابعاد اجتماعی و توده ای تری بخود میگیرد. روز گذشته در رشت جمعی از مردم با روشن کردن شمع و بدست گرفتن بنری که بر رویش نوشته شده بود "طبس"، بابا جان داد" خشم و نفرت خود را نسبت به مسیبن این جنایت اعلام کردند و با خانواده های کارگران جنبانباخته ابراز همدردی و همبستگی کردند. همانگونه که قبلا گزارش کردیم در روزهای گذشته نیز تشکلهای متعددی با بازماندگان کارگران جنبانباخته اعلام همبستگی کردند.

بنا به یک گزارش دیگر روز گذشته در یزد استارت دور جدید اعتراضات پرستاران زده شد و پرستاران و کادر درمان از بیمارستانهای مختلف این شهر در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالباتشان در محل دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمان صدوقی یزد تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. مطالبات اعلام شده این پرستاران عبارتند از: صدور احکام جدید بر مبنای افزایش حقوق و سختی کار و فوق العاده خاص با ضریب مناسب، محاسبه‌ی کارانه پرستاران بر اساس ثبت اقدامات پرستاری موجود در کتاب ارزش‌گذاری خدمات پزشکی به نام پرستاران، برخورداری از مزایای رفاهی و مناسبتی، مانند سایر کارکنان دولت و نهادهای عمومی و حذف اضافه کاری اجباری، پرداخت دستمزد مناسب بر اساس تورم موجود سالیانه و بر اساس فرمول اداره کار و قانون ارتقاء بهره‌وری.

اضافه کاری های اجباری و کمبود پرستار و تحمیل فشار سنگین کاری برگرده پرستاران، عدم ایمنی شرایط کاری و استاندارد پایین بهداشتی و درمان در بیمارستانها و حقوقهای ناچیز از جمله موضوعات اعتراضی پرستاران است. در رابطه با این موضوعات اخیرا پرستاران اعتراضات گسترده ای در سطح سراسری داشته اند که دامنه آن دهها شهر و بیش از ۹۰ بیمارستان را در بر گرفت. اعتراضاتی که به مرکز

توجه جامعه تبدیل شد و حمایت بسیاری را همراه داشت. پرستاران برای اول مهر کارزار نه به اضافه کاری اجباری را اعلام کرده بودند و عملا با عدم قبول اضافه کاری، اعتصابی را شکل دادند و این خود باعث تحمیل عقب نشینی هایی به حکومت شد. با تجمع اعتراضی روز گذشته پرستاران در یزد شروع دور دیگری از اعتراضات پرستاران کلید می خورد. از خواستها و مطالبات پرستاران وسیعا حمایت کنیم.

در این روز همچنین جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی از شهرهای باوی، سوسنگرد، حمیدیه و کارون در محل کانون بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات خود و محرومیت از حق درمان رایگان تجمع کردند. در این تجمع بنری با نوشته "درمان رایگان حق مسلم ماست" قابل توجه بود و بازنشستگان شعار میدادند: "معیشت، منزلت، درمان، حق مسلم ماست".

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مهر ۱۴۰۳، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴

۲ مهر: ادامه اعتراضات گسترده کارگران نفت

پنجمین روز تجمعات اعتراضی در پتروشیمی ماهشهر، و ادامه اعتراضات کارگران رسمی مراکز مختلف



خواستههای فوری اعلام شده کارگران رسمی نفت عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مازاد مالیات کسر شده. اعتراضات در بخش های مختلف صنعت نفت این مرکز کلیدی کارگری گسترده است. از مبارزات این کارگران حمایت و پشتیبانی کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۳، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴

امروز دوم مهرماه اعتراضات کارگران شاغل در شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود وارد پنجمین روز شد. حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر شاغل در این شرکت کار اصلی بارگیری موادشیمیایی از مخازن کشتی ها در اسکله را انجام میدهند. خواستههای اعلام شده آنها عبارتند از: اجرای تبدیل وضعیت شغلی آنان مطابق با شرکتهای همجوار، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران پیمانکاری، پرداخت پتروکارت، پرداخت کسورات پاداش های بهره وری به همراه معوقات سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آنها بابت اضافه کاری ها. این کارگران همچنین خواستار پرداخت مطالبات بیمه‌ای خود هستند که در برخی ماه‌های سال به موقع پرداخت نمی‌شود.

بنا بر گزارشات منتشر شده در این روز همچنین کارگران رسمی نفت در مراکز مختلفی تجمع داشتند و اعتراض خود را به تعرضات معیشتی حکومت اعلام داشتند. این اعتراضات از جمله در مراکزی چون مجتمع گاز پارس جنوبی منطقه غسلویه، شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان بوشهر، شرکت پالایش گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، سکوهای ۴۰گانه ی-POGC و در سکوی عملیاتی نصر منطقه سیری برپا شدند.



اعتراض خانواده های جانباختگان معدن همبستگی ها ادامه دارد

امروز پایان عملیات "نجات معدنچیان" از اعماق صد متری زمین از سوی حکومت اعلام شد. این درحالیست که بعد از خیر جانباختن ۵۲ معدنچی حکومتیان گفته بودند که هنوز تعدادی در اعماق زمین حبس هستند.

انفجار در تونل معدن معدنچو کارگران معدن در این منطقه و دیگر مناطق را دچار خشم فراوان کرده است. بنا بر گزارشات کارگر سه معدن دیگر در طبس حاضر به کار نشده و در اعتصابند. روز گذشته نیز همانطور که گزارش کردیم کارگران معدن در طزره دست به اعتصاب زدند و اکنون زمزمه های اعتراض در تمام معدن بلند است. در عین حال خانواده های معدنچیان جان باخته صدای دادخواهی شان بلند است. گوشه های از اظهارات و اعتراضات خانواده ها را اینجا میخوانید:

یکی از خانواده ها میگوید: کارگران معدن صبح اطلاع میدهند که بوی گاز در تونل پیچیده و در پاسخ به آنها میگن "اگر دوست داری کار کن نمی خواهی برو" خانواده یکی دیگر از کشته شدگان معدن طبس با خشم و اعتراض به روزنامه «شرق» میگوید: "بنویسد با ما چه کردند، حتی پول جنازه عزیزمان را هم خودمان باید بدهیم. از ۱۵ تا ۲۰ میلیون دادیم تا تن بی جانمان را به خانه ببریم. آن هم بدون سردخانه، فقط چند تکه یخ به ما می دهند تا روی آن ها بگذاریم." یکی دیگر از اعضای خانواده کارگران کشته شده میگوید: "گفتند کیسه بخرید و برای تحویل جنازه های تان بیاورید."

همسر علیرضا کدئی، یکی از کارگران معدن که هم اکنون در بخش مراقبت های ویژه بستری است، میگوید: "همسر در بخش مراقبت های ویژه است. ماه اول کارش بود، اصلا نمی دانیم حقوقش را می دهند یا نه. بیمارستان گفته او را بیمه درمانی نکرده بودند، از طرفی دکترها می گویند شاید نیاز باشد تا مدت ها تحت نظر باشد. نمی دانم بابت همه این هزینه ها چه کنم."

مادر یکی از جانباختگان میگوید: "جوانان ما بدون ایمنی کار کردند." و پدرش میگوید: "همه کت و شلوار می آیند عکس بگیرند و با یک دست اشاره میکنند که بله ما داریم کاری میکنیم. برو دنبال کارت. آمده اند و همه خنده میکنند. جوان مردم دارد در کار تلف میشود. آمده آنجا نوشابه اش را بخورد. ساندیش را بخورد. و فقط قدم بزنند. از مسئولین معدن هم کسی سراغ ما نیامده." از سوی دیگر همبستگی با خانواده های معدنچیان طبس گسترش می یابد و

ابعادی اجتماعی و توده ای بخود می گیرد. در ادامه گزارش روز گذشته و علاوه بر تشکلهایی که قبلا اعلام همبستگی و اعتراض کرده بودند، امروز نیز همبستگی ها ادامه یافت. نهاد ندای زنان ایران با معدنچیان طبس اعلام همبستگی کرده و مینویسد: "همدردی و دادخواهی برای جانباختگان معدن طبس: ما همه دادخواهیم و با خانواده های جانباختگان فاجعه معدن طبس همدردی داریم. عزیزان ما نه تنها به واسطه گلوله و طناب دار، بلکه به دست حکومت سرمایه دارانی که در سایه مافیاهای مفت خور عمل می کنند، به قتل رسیده اند. این حکومتی است که برای حفظ قدرت، چپاول و انباشت ثروت، جان انسان ها را قربانی می کند. ما با تمام خانواده هایی که در این فاجعه دردناک عزیزان و نان آوران خود را از دست داده اند، همراه و همدل هستیم. گروهی از معلمان در لنگرود نیز تجمع کردند و با سخنرانی هایشان با معدنچیان طبس اعلام همبستگی کردند."

همچنین سه فعال کارگری زن از بند زنان اوین به اسامی ناهید خداجو، ریحانه انصاری نژاد و نسرین خضر جوادی «طی بیانیه ای پیرامون "فاجعه معدن معدنچو" با خانواده های جانباختگان در این فاجعه تکانهنده اعلام همبستگی کردند. هم اکنون هشتگ #ایرانم_اعتصاب که اسماعیل بخشی فراخوان داده بود، داغ است. جامعه یک پارچه خشم و نفرت است. وسیعا به این کارزار پیوندیم. اعتصابات سراسری پاسخ درخور جنایات حکومت است.

در کنار خانواده های جانباختگان باشیم و اجازه ندهیم که زیر فشار حکومت قرار گیرند. و همصدا با آنها بر محاکمه عاملین این جنایت و حامیان آنها در حکومت تاکید کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۳، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان کشوری و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران



اجرای کامل رتبه بندی و همسانسازی حقوقها و افزایش آن متناسب با نرخ سبب معیشتی سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها از جمله محورهای مهم مطالبات این بازنشستگان است. بازنشستگان فریاد اعتراض کل جامعه علیه فقر و فساد و بی تاملی هستند. از مبارزاتشان وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۳، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴

امروز صبح بازنشستگان کشوری در مقابل دفتر پزشکین و معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه خلف وعده ها و بی پاسخ ماندن خواسته هایشان بلند کردند. این تجمعات علیرغم بارش شدید باران انجام گرفت و در آنها جمعیت قابل توجهی گرد آمده بودند. بازنشستگان کشوری شعار میدادند: "گرانی تورم شکسته پشت مردم"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "فریاد فریاد از این همه بیداد"، و فقط کف خیابون بدست میاد حقمون".

معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ قبلا هم برای پیگیری مطالبات خود تجمعاتی داشته اند با شعار "تا حق خود نگیریم از پای نمی نشینیم" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند. در این روز جمعی از معلمان بازنشسته از کرج نیز با بنری که در دست داشتند در تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش شرکت داشتند.